

پرخاش

تأسیس ۱۳۲۵
روزنامه پخش روزی

شماره ۲۴۱ - ۴شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۵۸ برابر با ۱۸ رجب ۱۳۹۹ مطابق با ۱۳ ژوئن ۱۹۷۹

بمناسبت ملی شدن بانکها

همت دولت بر مردم مبارک باد

برابر سرمایه خود مایملک این ملت را چاییده اند - حالا چه دارند؟ مبالغ سرسام آور بدهی - گروهی کارمند - و چاره چه بود؟ جز این کاری که کردند هیچ چاره ای نداشت.

سپهمداران و مدیران اصلی که هر یک چند برابر سرمایه نبودیشان غارت کرده اند، سپهمداران ضعیف و بانکداران خارجی هم که بهای اسمی و رقم حقه طلب خود را دریافت میکنند و دولت که در هر حال گرفتار این فساد و تباهی شده بود چرا فقط متعهد دیون

بانکها ملی شدند و مردم بشکرانه این اقدام دولت تبریک ها نثار کردند و شادیمانمودند حق هم همین بود، واقعا دست مریزاد.

این اقدام شایسته دولت بر مردم مبین ما مبارک باد.

چرا مردم در برابر ملی شدن بانکها این چنین شادمانه پای کوبیدند؟ جوابش را در سیستم بانکداری و شخصیت صاحبان بانکها و بالاخره زندگی روزمره مردمی باید جست که هر یک بنحوی مورد استثمار انحصارچیان شاهنشاهی قرار گرفته بودند.

بیان بانکها را در سنوات درخشان و دوران باصطلاح پیشرفت ملاحظه کنید خواه دیدید که دریافت اجازه کار یک بانک یا دو دهنه مغازه برای دارنده آن بهترین جوازی بود که چاییدن مشروع خود را تا سرحد سیری ناپذیر ادامه بدهد و این گولهای سرمایه ای را که ملاحظه میفرمائید در بطن جامعه اقتصادی ما برویاند.

صاحبان این بانکها کیانند؟ نامشان را در شماره گذشته پرخاش خواندید - چند خانواده عزیز کرده رژیم - چه مبلغ سرمایه داشته اند نه خدا میداند و نه بانک مرکزی میدانست و حالا چه کرده اند - خیلی مشخص - میلیاردها سرمایه مملکت را به خارج فرستاده اند و هر کدام چند

از کارهای اصولی دولتند اما بیرون از سروصدای کار-حقا کار- کارمشکلی هم نبوده و نیست و این اقبال و تائید مردم میتواند راهگشا و پند آموز دولت در اجرای برنامه های اساسی دیگر باشد که بداند با نیروی مردم میتوان بر همه مشکلات فائق آمد اما چیزی که بیش از همه از دولت میخواهیم - قدرت دولت است و تکرار میکنیم - جناب مهندس بازرگان همت مبارک - همتی دیگر - و قدرتی بیشتر.

احمد انواری



انای مهندس بازرگان نخست وزیر مصمم بمناسبت ملی کردن بانکها

دکتر
غلامحسین صدیقی
به جبهه ملی
بازگشت
صفحه ۸
جای پلیس و مامور اطلاعات
در دانشگاه نیست
صفحه ۵
خبرهای درگوشی
صفحات ۸ و ۵
شهرستانها
صفحه ۴

بانک اسلامی هم ملی شد ، بهره از بین میرود

اقدام بسیار ارزنده دولت در زمینه ملی کردن بانکها بحدی در افکار عمومی حسن اثر داشته است که در این چند روزه مردم بهم تبریک میگفتند و نکته جالب آنکه کلیت اصل و شمول این امر بر بانک اسلامی هم میرساند که در کارهای اساسی دولت موقت انقلاب هرگز پارا ازجاده اصول خارج نمی سازد و اقدام خود را مخدوش نمیکند . گفته شده است پس از ملی شدن بانکها مسئله حذف بهره و جانشین شدن رقم خیلی ناچیزی برای کارمزد نیز عملی خواهد شد و دولت میخواهد بهره وامهای گذشته را هم مشمول این تصمیم قرار دهد تا بدینکاران بتوانند تدریجا دین خود را ادا کنند چه باوضع بد اقتصادی موجود اگر بانکها برای وصول مطالبات فشار بیاورند ناگزیر باید همه گروگانها را ضبط کنند . و اینکار از نظر مملکت بهیچوجه صلاح نیست

یادی از خلیل ملکی

رهبر زحمتکشان ملت ایران

(نیروی سوم)



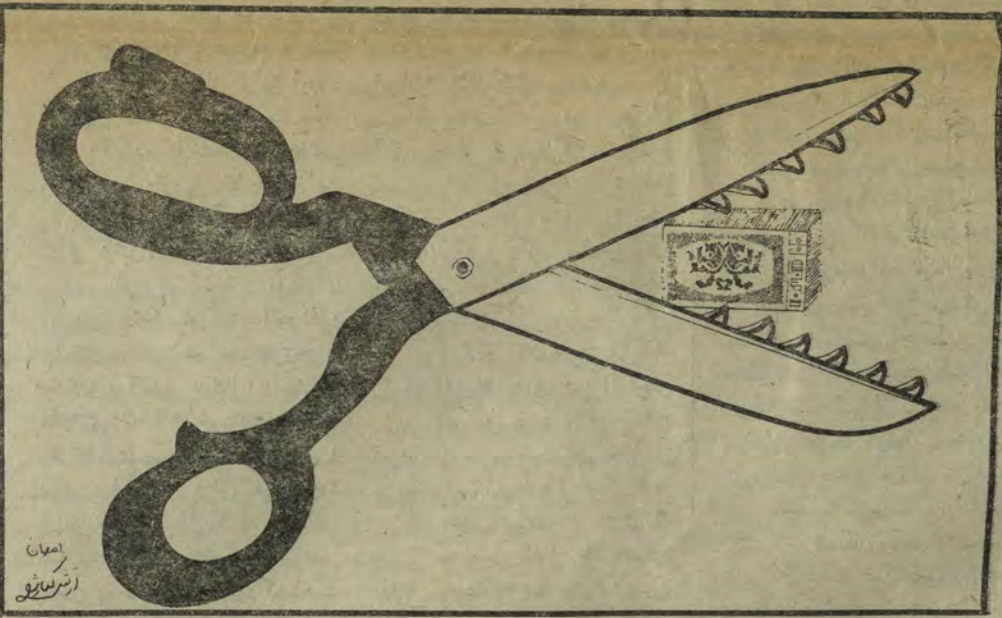
شادروان خلیل ملکی یکی از چهره های برجسته و درخشان ملی و مترقی عصر حاضر در ایران است . وی که رهبر انشعاب یون حزب توده ایران (در سال ۱۳۲۶) بود ، با آغاز نهضت ملی ایران زیر شعار ملی کردن نفت در سراسر ایران ، به رهبری مصدق بزرگ ، به حمایت از این نهضت بقیه در صفحه ۲

تیرگی روابط ایران و آمریکا

هفته گذشته وزیر امور خارجه ایران در یک متینک شهر اصفهان اعلام کرد که از دولت آمریکا خواسته است سفیر پیشینهادی خود را که سابقه ماموریت افریقائی دارد تعویض کند.

این اقدام با واکنش نسبتا شدید وزارت امور خارجه آمریکا روبرو شده و متقابلا اعلام داشته اند یا باید دولت ایران همین شخص را بپذیرد یا سفیر دیگری معرفی نخواهند کرد.

در کار دیپلماسی ایران که این روزها از هر مقام غیر مسئول چپ و راست لطمه می بیند این توجه درخور است که آیا پذیرش این جناب قبلا با موافقت دولت اعلام شده است یا نه؛ و اگر وزارت امور خارجه در خدایتار خود با اعلام قبولی مبادرت کرده است آیا نفی این پذیرش از نظر دیپلماسی ایران با جلب نظر دولت انجام شده و دلائل کافی برای رد آن وجود دارد؟ چه بهر صورت دولت موقت قبلا پذیرش را صادر کرده است و حتما باید دلائل رد آن خیلی قوی بوده باشد که بابت آن روابط دو کشور را دچار بحران و اختلاف گردانیم زیرا ما در حال حاضر عوامل بازدارنده کافی در حسن مناسبات سیاسی آنهم از دوطرف بعد کافی داریم و تصور نمیرود که بستن پیرایه جدیدی بر آن ضرور باشد یا امید آنکه این بحران با حسن تدبیر دوطرفه که یکی اصل احترام کامل با اقتدارات ملی ما از طرف آمریکا و صرف نظر از مناسبات غیر دوستانه ایست که در گذشته با مردم ایران داشته اند و دیگری اقدام با حزم و احتیاط از طرف دیپلماسی جوان جمهوری اسلامی است هر چه زودتر پایان پذیرد.



از: یات

آیا وزارت فرهنگ و هنر میخواهد مجری سیاست فرهنگی آینده کشور باشد؟

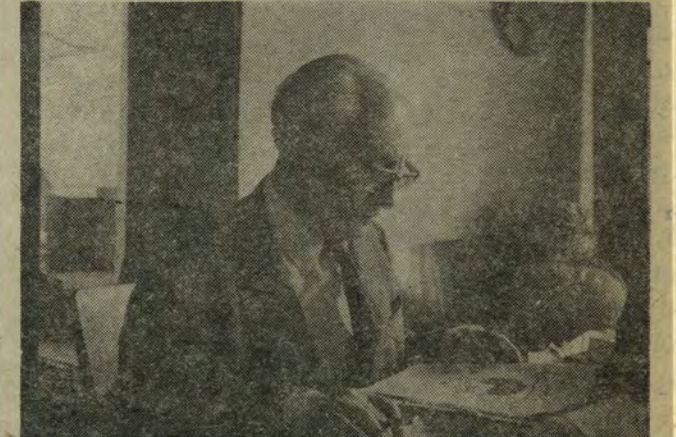
بیاد دارم چندین سال پیش هنرستانی بنام هنرمند گرانمایه کشورمان استاد کمال الملک در نزدیکی خیابان خائفاه وجود داشت. دیری نپائید از برکت نام این ابرمرد هنر ایران اداره ای بنام هنرهای زیبا بوجود آمد. ناگهان مهرداد پهلبد داماد رضا خان بعنوان اعجوبه هنر در رأس آن قرار گرفت و شاید بسبب نبوغ ذاتی! که از خود نشان داد، اداره مزبور در زمان هویدا به وزارت فرهنگ و هنر تبدیل شد. این وزارتخانه بر اثر جامطلبی

پهلبد روز بروز گسترش یافت و شاخ و برگش از درو دیوار وزارتخانه های دیگر بالا رفت و بحریمشان تجاوز نمود، بطوریکه بقیه در صفحه ۶

اصفهان
شهر قهرمان
در صفحه ۷

استاد جمال زاده

هفته گذشته نامه استاد جمال زاده را خواندید اینک آخرین عکسی که از استاد گرفته شده و در چاپخانه مانده بود ملاحظه میفرمائید.



در حین ورق زدن یکی از پرونده های بشمار اوراق و اسنادی که در طی سالیان دراز گردآوری کرده است. (توضیح عکاس : این «پز» کاملا اتفاقی است و بهیچوجه قصد آن نبوده است که عکسی از جمال زاده در حین نگریستن به عکسی از صادق هدایت ، دوست عزیز از دست رفته اش، گرفته شود)

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

پا در میدان مبارزه نهاد، و به همراهی کسان دیگری که در آن روز از نهضت ملی و پیشوای آن هواداری می‌کردند حزب زحمت-کشان ملت ایران را بنیاد کرد. اما پس از آنکه همان کسان راه خود را از راه نهضت جدا کردند، ملکی، با تجدید سازمان حزب زحمتکشان زیر عنوان «زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم)» یکی از وسیع‌ترین و منظم‌ترین احزاب ملی و هوادار کثیر مصدق‌زاپایه-ریزی کرد. ملکی شغلی جز معلمی مدارس نداشت، و به همین جهت رژیم کودتا نمی‌توانست او را تحت هیچ عنوانی به محاکمه کشد. در نتیجه، ملکی را پس از بیست و هشت مرداد توقیف، و بدون محاکمه در قلعه فک-الافلاک، و سپس در زندان شهربانی، محبوس ساختند. از همه جالبتر اینکه جعفری معلوم الحال (که در این اواخر به خاطر خدماتش به رژیم طاغوتی به مقام «شریف» سناقوری ارتقاء یافته بود) در همان زمان، در شغل غصبی کفیل وزارت فرهنگ، دستور داد که ملکی را از وزارت فرهنگ اخراج (دقت کنید: نه بازنشسته، نه منتظر خدمت، بلکه اخراج) کنند. و این همان جعفری بود که درست در هفته پیش از کودتای بیست و هشت مرداد روی دست و پای ملکی افتاده بود تا بتواند به عنوان یک وکیل «ملی» با حمایت حزب نیروی سوم از قزوین وکیل شود. در هر حال، هیچیک از این شکنجه‌ها و بی‌شرمی‌ها در عزم راسخ خلیل ملکی کمترین خللی را وارد نیارود، و هم او بود که با اخذ اطلاعات فنی از مهندس کاظم حسینبی رساله مفصلی درباره قرارداد ننگین کنسرسیوم، در حین انعقاد آن، تهیه کرد و با تشویق درخشش به ایراد آن رساله به عنوان نطق برضد قرارداد کنسرسیوم در مجلس هیجدهم، پته آن قرارداد تحمیلی و استعماری را بر آب افکند...

پس از آنکه «انقلاب شاهانه» و کشتار فجیع پانزده خرداد توانست معدودی از رهبران و مبارزان ملی را از میدان بدر کند، ملکی و چند تن از یاران سیاسی‌اش را در شب بیست و هشت مرداد ۱۳۴۴ توقیف، و در بهمن ماه همان سال در بیدادگاه نظامی محکوم کردند. ملکی که دچار بیماری قلب و ضعف باصره بود در آن بیدادگاه در برابر اعدای نامهای که توسط امثال جعفریان معدوم تهیه شده بود از خود و آرمان‌های ملی و مترقی نهضت ملی ایران دفاع کرد و روانه زندان شد. وی پس از رهائی از زندان، بازم به فعالیت‌های قلمی و سیاسی خود ادامه داد، اما خانه‌اش مرتباً تحت نظر عمال رژیم طاغوتی بود و آثارش را نیز اجازه انتشار نمی‌دادند. طولی نکشید که، در تابستان ۱۳۴۸، هنگامی که بر اثر خونریزی شدید معدی، او را عمل می‌کردند، قلب او از حرکت باز ایستاد و چراغ حیات او خاموش شد. سرگذشت غم‌انگیز ملکی، در همه جهات آن، سند محکومیتی برضد سلطنت ننگین پهلوی (همچنین) نموداری از کج‌فکری‌ها و بی‌حقیقتی‌های بعضی از افراد و دستجات سیاسی این دوران است. ملکی، تفکری روشن‌بین،

یادی از خلیل ملکی

و نویسنده‌ای پرکار، و توانا بود که از جمله آثار به‌شمارش می‌توان کتاب‌ها و جزوات «دوشوش برای یک هدف»، «برخورد عقاید و آراء»، «نیروی سوم چیست»، «نیروی سوم پیروز میشود»، «سوسیالیسم و کاپیتالیسم دولتی»، «نیروی سوم در مقابل دو پایگاه اجتماعی امپریالیسم»، و «دربار بزرگترین آزمایش تاریخ» را نام برد.

معرفی زندگی، شرح مبارزات و بحث درباره عقاید اصیل ملکی در این نوشته مختصر ممکن نیست. در اینجا ما هم‌برای آنکه یادی از این مبارز و اندیشمند صدیق کرده باشیم، و هم برای اینکه روش‌های روزنامه‌های شاهنشاهی، سازمان امنیت طاغوتی، و بیدادگاه‌های نظامی آن را نسبت به مبارزان ملی، برای خوانندگان خود یادآوری کرده باشیم، قسمت‌هایی از جریان آخرین توقیف و محاکمه خلیل ملکی را ذیلاً درج می‌کنیم، و بخصوص توجه خوانندگان را به تناقضات بی‌شماره‌ای که مطابق معمول آن زمان، حتی بیشتر از معمول آن زمان، در اتهامات دستگاه‌های گوناگون طاغوتی به خلیل ملکی دیده میشود جلب می‌نماییم.

خبر توقیف خلیل ملکی پانزده روز پس از بازداشت او، نقل از روزنامه شاهنشاهی کیهان (هوائی)، شماره ۲۱۵۷، شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۴۴

بازداشت خلیل ملکی

بقرار اطلاع ظرف چند روز گذشته خلیل ملکی و چند نفر از همفکران او به اتهام ترویج اصول مارکسیستی و اشتراکی و تخریب افکار و اقدام علیه امنیت مملکت از طرف مراجع انتظامی بازداشت گردیده‌اند و پرونده‌های اتهامی آنان پس از تکمیل قریباً جهت رسیدگی قانونی به مراجع صالحه قضائی تسلیم خواهد شد.

بطوریکه سوابق امر حاکیست خلیلی ملکی یکی از مروجین اولیه مرام و رویه اشتراکی در ایران بوده و به‌همراه پنجاه و دو تن دیگر از سران حزب منجمله توده حزب مذکور را در دوران بر آشوب بعد از شهریور ۲۰ به وجود آورده و پس از آنکه بر اثر حس جاه‌طلبی با سران این حزب بر سر اشغال مقامات حزبی اختلافاتی پیدا کرد جمعی را با منجمله توده انشعاب نمود.

نامبرده با حفظ عقاید و افکار خود همچنان مترصد زمان مقتضی برای اعمال نظریات سوء خویش بود تا اینکه در دوره حکومت دکتر مصدق و بخصوص اواخر آن که جناح‌های مخرب از هر سو علیه استقلال و تمامیت ارضی ایران در تلاش بودند مشارالیه نیز با گردآوری عده‌ای در این راه فعالیت می‌کرد و بالاخره دسته او اولین گروهی بود که در روزهای سیاه ۲۵ تا ۲۸ مرداد سال ۳۴ خواستار اعلام رژیم جمهوری گردید و متعاقب قیام ملی ۲۸ مرداد مدتی به‌همین علت در بازداشت و تبعید بسربرد. پس از چندی با توجه به ضرب‌المثل «نسیان‌الناس حصنی» از حس فراموشکاری جمعی به

شده باشند. امید است مقامات انتظامی و دستگاه‌های مسئول بعد از این با توجه به خواسته‌های عمومی باین قبیل عوامل آنقدر فرصت ندهند تا با عقاید زهر آلود خود افکار انحرافی و مملکت برپادده وضد مذهبی را در بین جوانان ساده دل و عناصری که حتماً وجودشان برای سازندگی ایران ارزنده خواهد بود رواج دهند.

چکیده‌ای از ادعائنامه رژیم طاغوتی برضد خلیل ملکی
خلیل فرزند فتحعلی شهرت ملکی محل تولد تبریز ۶۴ ساله شماره شناسنامه... بدون پیشینه کیفری...
موضوع اتهام
اقدام برضد امنیت مملکت. تشکیل و اداره و عضویت در دسته و جمعیتی با مرام و رویه ضد سلطنت مشروطه ایران.

گردش کار

با ظاهر شدن دکتر مصدق در عرصه سیاست ایران موقعیتی پیش می‌آید که متهم ردیف یک (خلیل ملکی) وارد میدان شده تا اولاً انتقام خود را از سران حزب منجمله توده، که او را به دازی تکررته بودند، بگیرد و ثانیاً بتواند رل عمده‌ای در اوضاع آن روز کشور داشته باشد. به همین جهت با افراد وابسته به جنبه ملی دست ائتلاف داده «سازمان مقاومت ملی» را بوجود می‌آورد. نامبرده و همفکرانش در دوره حکومت سی ماهه دکتر مصدق کوششی فراوان بکار می‌برند تا با سست کردن مبانی اعتقادات ملی و مذهبی جوانان آنها را به سوی عقاید مارکسیستی سوق دهند.

مدتی حزب «زحمتکشان ملت ایران» را تشکیل میدهند و باز پس از چندی با سایر رهبران آن حزب از در سازگاری درآمد و حزب «نیروی سوم» را مشخص می‌دهند و در روزهای آخر حکومت دکتر مصدق وقتی احساس می‌نماید که امکان دارد حزب توده پیروز شود خود را با آن حزب یکی کرده و در عین حال گروه وابسته به وی در برانداختن رژیم کهن و مورد علاقه ملت ایران از حزب توده هم جلوتر می‌روند و شعارهایی که در روزنامه «نیروی سوم» ارگان رسمی حزب در خلال روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۴۴ چاپ شده و ضمیمه پرونده است بهترین شاهد برای اثبات این مدعی است. اعلامیه حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) که در روزنامه نیروی سوم شماره ۴۴۵ مورخ دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۴۴ چاپ شده و مقاله‌هایی که همین روزنامه در مورد برجیده شدن رژیم سلطنتی و برقراری جمهوری چاپ نموده است، هیچگونه ابهامی برای درک مرام و هدف این جمعیت باقی نمی‌گذارد...

لیکن با توجه به برنامه‌هایی که جهت آبادانی ایران و تعمیم عدالت اجتماعی و تامین رفاه و سعادت ملت ایران با مطالعات فراوان و با در نظر گرفتن شرایط خاص کشور فراهم گردیده است دیگر محلی برای ادامه فعالیت آقای خلیل ملکی باقی نمی‌ماند. نتیجتاً نامبرده که اینبار هم با شکست روبرو می‌شود، چهره ضد رژیم سلطنتی خود را که بعد از سال ۱۳۴۲ پنهان کرده بود آشکار ساخته و دست اتحاد و همبستگی به طرف جناح‌هایی

کمیته‌های تعیین شده از طرف مجمع عالی صلح پاریس با کمال بی نظری در ۶۸ سال قبل اعلام داشتند که اجرای مفاد بیانیه بلفور در مورد تشکیل وطن قومی یهودیان متضمن اعمال ستم بزرگی بمردم فلسطین میباشد

کمیته کنج‌گرین که از سوی مجمع عالی صلح پاریس برای تحقیقات در اطراف اوضاع مردم فلسطین تعیین شده بود پس از کسب اطلاعات عمیق در محل - در قسمت پنجم گزارش خود به مجمع عالی صلح پاریس چنین مینویسد (چون مفهوم روشن شرط تعیین شده در بیانیه بلفور که ایجاد وطن قومی برای یهود را در فلسطین تأیید میکند - آنست که درباره ایجاد وطن قومی برای یهود نباید عملیاتی انجام شود که بحقوق اجتماعی و دینی ملت‌های غیر یهود ساکن فلسطین لطمه وارد سازد). در اینصورت لازم می‌آید که در برنامه پیشنهادی صهیونیسم جرح و تعدیل زیادی بعمل آید زیرا که مفهوم جمله (ایجاد وطن قومی برای یهود) این نیست که فلسطین یکسره مبدل به دولت و وطن مخصوص یهود شود - چون ایجاد چنین دولت بدون از بین بردن حقوق اجتماعی و دینی مردم غیر یهود فلسطین امکان‌پذیر نیست) این حقیقت چندین مرتبه در اجتماعاتی که نمایندگان یهود هم در آن شرکت داشتند یادآوری شد که (صهیونیون درصدد هستند ساکنین غیر یهود فلسطین را فعلاً با وسایلی مختلف حتی بنام خریداری از املاکشان دور سازند و از آنان سلب مالکیت بکنند). رئیس مجمع عالی صلح پاریس در ۴ تموز ۱۹۱۸ خطاب به اعضای مجمع چنین گفت (استوارترین اصل و پابرجاترین مبدا و یکی از هدفهای چهارگانه بزرگی که متفقین بخاطر اجرای آنها جنگیدند این بود که (همه مشکلات دولتها از راه عدالت حل و فصل شود - خواه این مشکلات مربوط به حدود مرزی و اقلیمی باشد خواه مربوط به سیاست - اقتصاد - تسلط زورمندان - یا توجه به اینکه این قاعده (حل مشکلات ملت‌ها) از طرف همه دولتها یکسره مستقیماً در جنگ دخالت داشته‌اند آزادانه پذیرفته شده پس در حل مشکلات برتری مادی یا تقف خصوصی‌گر ملت و قومی که مایل است کار

های کشور خود را برخلاف نفوذ خارجی و غیرم تسلط و اشغال دولت دیگر حل کند نباید دخالت داشته باشد و قوتیکه این اصل را سودمند میدانیم و اقوام فلسطین هم نسبت بحل مشکلات آینده کشور خود تصمیم قاطعی داشته باشند در اینصورت باید تذکر بدیم که ساکنان غیر یهود فلسطین که تقریباً ۹ دهم مجموع ساکنین آن سرزمین را تشکیل میدهد و با تمام احتیاط و کوشش با برنامه‌های صهیونیسم مخالف میباشند بدیهی است که این برنامه صهیونیسم موافق با رای عموم ساکنین فلسطین نمیباشد. بنابراین وادار کردن همه آنان جهت پذیرش مهاجرت غیر محدود یهودیان و تحت فشار گذاردن آنان منتهی به مرحله‌ای میشود که آنها ناچار به تخلیه سرزمین اجدادی خود باشند - این کار نه تنها بر خلاف آن مبدا میشود که در بالا اشاره شد بلکه معارض بحقوق طبیعی ملت‌ها هم میباشد اگرچه این اقدامات در ظاهر از روی قانون انجام شود).

کمیته کنج‌گرین در گزارش خود بصراحت بمجمع عالی تأکید نمود که (اصول خواسته‌های صهیونیسم نسبت بملت فلسطین باید از بین برود. زیرا اجرای برنامه پیشنهادی صهیونیسم جز با توسل بزور و اسلحه امکان‌پذیر نیست. همین افکار بخودی خود دلیل احساسات تند ساکنان فلسطین - سوریه نسبت به برنامه ظالمانه صهیونیسم میباشد. اگر ضرورت ایجاد کند که مفاد قرارهای قبلی اجرا شود آنها چاره‌ای ندارند جز اینکه برای جلوگیری از این ستم آشکار و غیرقانونی بزور متوسل شوند. زیرا فکر واهی که نمایندگان صهیونیسم با اتکاء به آن خود را در فلسطین موقتی است که چندین هزار سال پیش اتفاق افتاده و این اندیشه باطل ارزش آن را ندارد که در این زمان به آن توجه شود. از کتاب (فلسطین در پرتو حق و عدالت - ترجمه: کاظمی خلخالی.

داده تا مطالبی درباره چین و حزب کمونیست آن کشور و تأکیدهای حزب مزبور برای بدست آوردن قدرت و حکومت به اعضای خود بیاموزند.

نامبرده بالا با هر دسته و گروهی که علیه رژیم ایران فعالیت کرده همکاری نموده یا آنان را مورد تأیید قرار داده است - که بتوان مثال حمایت و جانبداری او افراد منتسب به جامعه وی را در ایران و اروپا از متهمین حادثه کاخ مرمر، همکاری با جمعیت نهضت آزادی، همکاری با روحانیون مخالف دولت، ترجمه و انتشار مقالاتی که مفاد آن تحریک مردم به ضدیت با رژیم سلطنت بوده و تعلیم اصول مارکسیستی و اشتراکی در بین بقیه در صفحه ۶

حقوق بیکاری و بازنشستگی عمومی

همه میدانیم که در ایران بزرگترین صاحب سرمایه، سرمایه گذار، کارفرما و تعیین کننده وضع مادی افراد دولت است که با دریافت درآمد نفت بزرگترین سرمایه دار است. تمامی ملت تحت تأثیر برنامه های اقتصادی مختلف دولت به ثروت رسیده و با بخت سیاه میشینند، استخدام میشوند یا تولید میکنند، بکار واردات میپردازند یا صادر کننده میشوند. بازده یکسال کشاورزیشان مفت از دستشان درمیآید و یا زمینهای دولتی بدست می آورد و ثروتمند میشود و با تغییر یک تعرفه وارداتی تجارتشان از بین میرود. علاوه بر نفت معدن مهم دیگر، زمین های بایر، مراتع و جنگلها و آب ملی است و بخش خصوصی واقعا جز بعنوان زائده ای از این بخش دولتی وسیع بحساب نمی آید. این نوع وابستگی بدولت فقط در کشورهای کمونیستی به این شدت وجود دارد و اشتباه است اگر ما ایران را یک کشور کاپیتالیستی بشمار آوریم. بهین دلیل است که هدفها، برنامه و فعالیت های دولت از اهمیت زیادی برخوردار است و باید بوسیله ملت نظارت دقیق بر جزئیات آن هم اعمال شود. در چنین وضعیتی مسئولیت دولت در قبال تک تک افراد ملت در مورد آموزش، بهداشت، فراهم آوردن امکانات و وسایل کار و استفاده از منابع طبیعی کاملا مشخص است و ساده لوحانه است اگر خوشی و ناخوشی افراد را صد در صد منتج از فعالیت یا عدم فعالیت و زحمت خودشان بدانیم. این بحث به فلسفه وجودی دولت مربوط میشود، یعنی دولت چیست و برای چه هدفی وجود میآید و میزان دخالت و اختیارات آن در محدوده هر کشور در زندگی آحاد افراد آن تا چه حد باید باشد. طبیعی است که برای دفاع از مرزها، انجام کارهایی که افراد بطور مستقیم وارد آن میشوند مانند جاده سازی، پل سازی، سد سازی و وسایل رفاه جمعی دولت باید وجود داشته باشد و هزینه های خود را نیز از دریافت مالیات های مختلف تامین کند ولی بطور کلی دولت ها در تمامی کشورها روز بروز حیظه نفوذ، قدرت و دخالت خود در زندگی افراد افزوده اند تا آنجا که بصورت کارفرما و صاحب اختیاری در آمده اند که حیات و ممات همه افراد را در دست دارد. در بعضی کشورها این کارفرما بصورت پدر مهربانی که نگران رفاه کلیه افراد مملکت است و در جهت منافع افراد جامعه قدم برمیدارد درآمده است و در بعضی جاها بصورت کارفرمای مستبدی است که با زور افراد جامعه را در جهت منافع مخصوص هیئت حاکمه و یا امپریالیسم استثمار مینماید. با توجه باینکه روابط چنین کشورهایی با یکدیگر بر مبنای زور (نظامی و اقتصادی) قرار دارد و یک دولت تنها با انحصار نیرو های انسانی و اقتصادی یک جامعه میتواند در مقابل فشارها و نفوذ خارجی دوام بیاورد و کوچک کردن و تضعیف دولت در روابط ماملت در شرایط فعلی بین المللی امکان

پذیر نیست. بنظر میآید که تنها راه حل باقیمانده این باشد که دخالت دولت تا حد امکان لااقل بصورت پدر مهربان باشد. اینجاست که به بحث مسئولیت دولت در قبال افراد ملت میرسیم. بیکاری کارگران و کارمندان و افراد ملت بطور کلی از اوضاع اقتصادی و برنامه های اقتصادی دولت ناشی میشود که ایجاد بیکاری موقت و یا دائم مینماید و جابجاشدن کارگران از رشته هایی که دیگر نیازی به آنها نیست به رشته هایی که مورد نیاز هستند (حتی اگر از طریق برنامه ریزی مرکزی انجام بگیرد) با توجه به تخصص ها و نیازهای آموزشی و غیره ایجاد بیکاری میکند (فرض کنیم رشته ساختمان دچار رکود شود و یا نیازی به ساختمان سازی به آن حد نباشد که کلیه کارگران ساختمانی بکار گرفته شوند و در عوض صنایع نساجی رونق بگیرند. کارگر ساختمانی به آسانی نمیتواند کار ماشینی صنعتی انجام دهد لاجرم مدتی باید آموزش ببیند تا بتواند کار جدید را انجام دهد و یا اینکه بیکار خواهد شد، سطح دستمزد هائیز در این دوره رشته تفاوت خواهد داشت). در ایران عملا هیچگونه امنیت اقتصادی و اجتماعی برای افرادی که در چنین وضعیتی قرار میگیرند وجود ندارد. بنابراین هر کس تا آن حدی که میتواند وامکانش را دارد به جمع آوری پس انداز میپردازد تا در صورت نیازمحتاج کسی نشود و علاوه باینست خانوادگی دفاعی در مقابل چنین مشکلات خارجی مقاومت میکند (ارتباط و اتصال فرزندان به پدر و مادر و خانواده همیشگی است و اغلب خانواده ها خود را موظف میداند که در صورت احتیاج ب دیگر افراد خانواده کمک مالی بنمایند). این سیستم باعث تراکم هر چه بیشتر ثروت در دست کسانی که امکان پس انداز را بدست آورده اند و تضعیف شدن و تحلیل رفتن هر چه بیشتر افراد ضعیف که چنین امکانی را بدست نیاورده اند میشود و باعث افزایش نابرابری های اقتصادی و اجتماعی میگردد. با توجه به مراتب فوق مینیمیم که جمیع افراد این کشور (در صورتیکه پشتیبانی دولتی از صاحبان صنایع بزرگ و انحصار گران متوقف شود) در وضعیتی کمابیش یکسان کارمند و کارگر و متخصصینی هستند که برای یک کارفرما کار میکنند (زارع گندمش را بدولت میفروشد، معلم برای دولت کار میکند، کارمندان بانکها و حتی کارگران صنایع بزرگ مثل پتروشیمی و کارخانجات متعلق بدولت نیز برای دولت کار میکنند). در این صورت مسئولیت جابجایی افراد نیز بدولت ارتباط پیدا میکند. همگی این افراد مایلند کار کنند و زندگی خود را از این راه تامین کنند و به میل خود بیکار نمی شوند. پس باید راهی باشد که زندگی این افراد در زمان بیکاری تامین گردد و در ضمن سیستم و روشی باشد که افراد بیکار را با شغل های موجود در ارتباط بگذارد. در حال حاضر این افراد مجبورند طی دوران بیکاری از

نامه آقای نخست وزیر به آیت الله شبیر خاقتانی
ایکاش این حسن تفاهات ادایه سی یافت

دولت موقت انقلاب اسلامی

نخست وزیر

مصرف ارز صرف آید که هر شیخ محمد طاهر آل شبیر فاتحی خط
میفته گشته که همی از برادران عرب عشیر روزستان (بازاره آفتاب تهران
آمده ملاقاتهای رخ دار توسط تربیت مورخ ۲۶ ۱۰۸ (۵۸/۲/۴) راه آرورد فرود فتح باب
کلام شد دست بهمان بند گردید
از عبادت در نماز غیر آید بسیار بسیار بگرامم... (سید دارم حداد حسن ملکات
راز تر سلطان در شریک گان ممنوعا گشته به این دولت نیز توفیق فیست در راه
سلام مسلمین عطا فراید
آنان صست زیاد در دولت کتی پیشد آن نامی گشته که استماع و گویشد... (موج از راه
دمه در قبول تر فرود... (بازار که مردم در راه... (برادران عرب عشیر تحت حمایت آفتاب
نه تنها دهنه تجربه طبیی در وقتدار و گشته نه گشته بلکه در راه طلب حیرت و طرح پلای سندی
بسیر آید به بعضی همین بند گشته
آنان یاد آوری که در درون بسیار بسیار حلیه آستخ در حینه آن حیلان نه تنها مردم
روزستان به مردم آید را کمال در مردم سخته بود... (روزانه است سندی گودار از تیار حصر
بهت در شریک مدل و آثار در همه جا... (بسط به حداد توفیق مردم در صست بند در شریک
حصول و عمل را رسانید
بهرت گشته آوستیار آیتان به شریک طاهر شبیر که اورا تیره شبیر
تاریک سبک محمود سندی در پیشدار به کلبر فرستای می باشد داده گشته و آیتان است
در راه ساری سالیان آیتان به سستی در کلبر فرستای که کلبر سستی در شریک گشته
فرستاده در عقب که ما همان در شریک با دوستی در شریک سبک گشته
نام عزت و نام سبک
روزیکه بحمد الله حسن تفاهم برقرار بود و خوزستان در آرامش
اینک بحمد الله دوباره تفاهم برقرار گردیده است

روزیکه بحمد الله حسن تفاهم برقرار بود و خوزستان در آرامش
اینک بحمد الله دوباره تفاهم برقرار گردیده است

و کیفی عادلانه باشد برقرار کند. وزارت کار و سازمانهای تابعه آن، یا یک سازمان مخصوص رفاه اجتماعی که جهت اجرای چنین طرحهایی بوجود بیاید می تواند نقش ارشادی و آگاه کننده نیز داشته باشد (چه از طریق آموزش افراد برای انجام کار های متفاوت با کار قبلی و چه از طریق فراهم نمودن امکانات کار آموزی در ابتدای کار و چه از نظر ارشاد افراد در مورد حقوق متعلقه و امکانات رفاهی که این سازمان باید در اختیار آنها قرار دهد). از مردمی که عادت کرده اند تا حد امکان تماس خود را با سیستم و رژیم محدود نگاه دارند تا از صدمات ناشیه از این برخوردها اجتناب کنند نمیتوان انتظار داشت که برای کسب حقوق به سیستم متکی گردند و حتی الامکان سعی همگی این خواهد بود که شریک چنین آقا بالاسری را از سر خود کم کنند و کسیکه یک عمر برداشت او این بوده است که اگر ظلمی با او شده دستگاه از آن پشتیبانی کرده، اگر مزاحمش را آفت زده دستگاه باو کشی نکرده و اگر کاری داشته (حتی صدور یک رونوشت شناسنامه) مدتها در راه رهای ادارات دولتی سرگردان بوده و عاقبت هم فقط با دادن رشوه کارش انجام شده است باین آسانی نمیتواند با

در منطقه دیگر در اختیار سایر برادران قرار گیرد یا بعضی از آنها بکارهای صنعتی در محن های نزدیک منتقل شده و آموزش لازم نیز دریافت کنند). دو موضوع در این بحث روشن میشود یکی لزوم به عدم تمرکز کارها یعنی اینکه مسئول در محل باید بتواند تصمیم گرفته و مسایل محلی را حل کند و مجبور نباشد برای چنین کارهایی نامه تگاریهای طولانی با مرکز داشته باشد که خود موجب به تعویق افتادن کار و صدمات میشود و دوم اینکه کارگر فقط کسی نیست که در یک صنعت بزرگ و در یک محل بکار اشتغال دارد بلکه همه افرادی هستند که حتی بصورت ظاهر برای خودش کار میکنند و صاحب سرمایه (زمین) است و در سطح کشور پراکنده است و رفاه اجتماعی باید برای همگان بصورت عادلانه فراهم گردد.

دستر روزنامه پرخاش

پرخاش مشترك ميپذيرد

برای اشتراك مبلغ يكهزار ريال بابت يكصد شماره روزنامه بوسيله نزديكترين شعبه بانك سپه بحساب شماره ۵۳۷ بانك سپه شعبه پيچ شميران حواله نموده فیش آنرا به نشانی روزنامه ارسال فرمائيد تا روزنامه بآدرسی که تعیین خواهيد فرمود ارسال گردد.

شهرستانها

درباره روغن نباتی در مشهد

همه میدانند بعلت کم کاری و اعتصابات بخاطر بتم رسیدن پیروزی انقلاب مقدس اسلامی تا حدودی در تمام کارخانجات مشکلاتی بوجود آمد مسئولین محترم اموردررفع این مشکلات گامهای موثری برداشتند و نتیجه مطلوبی ببار آورد. در خراسان پیرامون کمیایی و گرانی روغن نباتی و مواد غذایی سئوالی مطرح است که چرا فقط تنها نماینده پخش روغن نباتی خزر (غنیچه) ناز است که بیش از سایر همکاران خود توانسته است موجبات رفاه مردم و کسبه رافراهم سازد و خدمتی شایسته وبدون هیچگونه ریا ارائه دهد. امیدواریم سایر روشندگان روغن های نباتی از این رویه اسلامی و خدایسندانه پیروی نمایند تا مردم مشهد از مضیقه روغن رهائی یابند و بفرمان امام از گرانفروشی و کمیایی جلوگیری بعمل آید.

خبرنگار پرخاش در مشهدزندی

دو روز تعطیل بازار بخاطر غارت روستائیان

نحر یکات عمال

اسلام آباد: بازاربان، اصناف، کشاورزان، فرهنگیان کارمندان دولت مجاهدین و گروههای مختلف چند روز است دست به راهپیمائی شدید زده اند. راهپیمائی های دو روز پیش بخاطر ایجاد ناارمی و چپاول روستائیان اطراف اسلام آباد صورت گرفت. در خردهم ای پایان راهپیمائی که بیش از بیست هزار نفر از گروههای مختلف مردم تشکیل میشد شرکت داشتند و در مخبرات اسلام آباد غرب به تحصن نشستند و از مقامات دولت انقلابی خواستار رسیدگی فوری شدند. اجتماع کنندگان سپس در فرمانداری حضور یافتند و از فرماندار جدید خواستار رسیدگی فوری شدند. یقرا اطلاع قرار است هیاتی از طرف دولت و هنک ژاندارمری بساین شهرستان بیایند. قابل توجه اینجاست از آغاز انقلاب تاکنون در غرب ایران عده فرصت طلب و ضدانقلاب از فرصت استفاده کرده هر روز و هرشب راه بر مسافرین جاده اسلام آباد نصر شیرین میبندند و محتویات جیب مردم بی دفاع را بیغما می برند گاهی اتفاق افتاده است طلاآلات زنان مسافرین نیز چپاول شده است و تاکنون عده ای را کشته و مجروح کرده اند. این فرصت طلبان بجان روستائینان افتاده و احشام و کوسنندان را بسرقت میبرند. یکنوع وحشت و دلبره تمام روستاهای منطقه را فراگرفته شایع است سرکرده این راهزنان سپهبدیازنشسته و استاندار سابق کرمانشاه یالیزبان و ستوان احمد سبزه رئیس کلانتری سنقر کلیائی قاتل سروان فراز رئیس شهربانی کلیائی میباشد و دارودسته سالارچاق نیز با نامبرده همکاری مینمایند جالب توجه اینجاست مامورین ژاندارمری اسلام آبادکردن و باطاق و سرپل ذهاب قصرشیرین که سابق در زمان طاغوت امنیت جاده ها را بدست گرفته بودند اکنون از انجام وظیفه سر باز زده اند. مامورین فعلی دولت انقلابی هم وظیفه خود را فراموش کرده اند و فرصت طلبان عکس العملی نمی بینند. هرشب بیکی از روستاها حمله ور می شوند و احشام مردم را بسرقت می برند آسایش کشاورزان را سلب می نمایند و راه را بر مسافرین می بندند. بامید توجه مامورین وظیفه شناس هستیم.

کریم حیدری نماینده پرخاش - اسلام آباد

فابل توجه استانداری و شهردار محترم کرمانشاه

لطفا به خواسته های ساکنین شهرک پر جمعیت باغ ابریشم کرمانشاه توجه فرمائید:

در حالیکه رهبر انقلاب مدام در اندیشه رفاه و آسایش مردم مملکت بویره طبقه مستضعف میباشد و در اینگونه موارد دستوراتی صادر فرموده اند وظیفه شهرداران استانها است که در اینگونه موارد درجهت رضایت خاطر مردم مسلمان اسانها قدمهای مثبتی بردارند.

اهالی باغ ابریشم کرمانشاه خواسته های دارند که تعدادی از خواسته هایشان بشرح زیر است:

- ۱- اهالی این شهرک فاقد لوله کشی آب آشامیدنی میباشد و در اینمورد سخت در مضیقه هستند.
۲- نیمی از ساکنین این شهرک فاقد روشنائی میباشد که نه تنها شبها در تاریکی و ظلمت مطلق بسر میبرند بلکه روزها نیز از استفاده از هرگونه وسائل برقی از قبیل رادیو-تلویزیون- پنکه - یخچال- کولر و غیره محرومند.
۳- پس از مدتها بنا به تقاضای اهالی شرکت واحد اتوبوسرانی کرمانشاه یکدستگاه مینی بوس بعنوان خط باغ ابریشم اختصاص داده لیکن بعلت کثرت جمعیت این شهرک برای ایاب و ذهاب آنها کافی نیست زیرا نه تنها هنگامیکه برای حمل مسافر بشهر میرود و ساعتها بایستی اهالی انتظار بکشند تا مینی بوس مزبور بازگردد، بلکه چنانچه تنها مینی بوس این خط دچار نقص فنی شود آنروز و شاید روزهای دیگر فاقد وسیله ایاب و ذهاب خواهند بود.
۴- مسافتی در حدود نیم کیلومتر از راه این شهرک فاقد اسفالت میباشد و بهمین سبب هیچ اتومبیل تاکسی و کرایه ای حاضر نمیشود باین شهرک رفت و آمد نماید و اهالی در این مورد سخت در عذاب هستند.

۵- شهرک پرجمعیت باغ ابریشم فاقد نانوائی - قصابی بویره هر نوع فروشگاه که نیاز آنان را برآورد هستند و برای خرید مایحتاج روزانه مبیایستی همه روزه مسافت نسبتا زیادی را تا شهر طی کنند بهمین سبب ایجاد نانوائی - قصابی و یک سوپر مارکت که مایحتاج اهالی را تامین نماید بسیار ضروری است امید است که مسئولین امر هرچه زودتر در این مورد اقدام لازم معمول دارند.

تشکیل جبهه ملی در کرمانشاه

در حالیکه ساختمان مناسبی جهت محل جبهه ملی ایران در یکی از خیابانهای شهر در نظر گرفته شده قریبا جبهه ملی ایران سازمان منطقه غرب کشور از طرف گروهی از پزشکان - دبیران - دانشجویان - بازاربان - سرپرستی نشریات جبهه ملی و طبقات مختلف مردم شهر در کرمانشاه تشکیل و فعالیت خود را آغاز خواهند نمود.

خبرنگار پرخاش در کرمانشاه علی اصغر زعفرانی

آگهی تغییرات در شرکت معدنی وصنعتی جامسار

بامسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۲۲۴۸۸ طبق مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۲۰/۸/۵۷ آقایان اسماعیل میرشمیدی و عباس تدین و حسین سلطانی زاده و محمدابراهیم افضلی و خانم فاطمه افضلی کلا سهم الشرکه خود را دریافت و از شرکت خارج شدند اسامی شرکاء و میزان سهم الشرکه جدید آقای حاج حسین آذری بشناسنامه شماره ۱۱۲۸ دامغان ۱۰۰۰۰۰۰ ریال آقای محمود آذری بشناسنامه شماره ۹۶ دامغان ۲۷۵۰۰۰ ریال آقای مجتبی آذری بشناسنامه شماره ۷۲۴۸ دامغان ۳۷۵۰۰۰ ریال آقای مرتضی آذری بشناسنامه شماره ۲۹۸ دامغان ۳۷۵۰۰۰ ریال خانم بتول آذری بشناسنامه شماره ۶۹۴۹ دامغان ۳۷۵۰۰۰ ریال بصندوق شرکت بشرکت وارد شدند و در سرمایه شرکت تغییری حاصل نشد آقایان حاج حسین آذری و محمود آذری و مرتضی آذری بسمت عضو هیئت مدیره برای مدت دوسال انتخاب شدند ضمنا آقای حاج حسین آذری بسمت مدیرعامل شرکت انتخاب شدند و حق امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار (چک و سفته و برات وغیره) با مدیر عامل باتفاق یکی از اعضاء هیئت مدیره و با مهر شرکت معتبر خواهد بود و اوراق عادی فقط به امضاء مدیرعامل معتبر است مرکز شرکت از تاریخ فوق بشهرستان دامغان نبش بلوار شمالی ساختمان آذری انتقال یافت و روزنامه کیمپان جهت درج آگهی های شرکت انتخاب شد.

مدیر کل ثبت شرکتهما ومالکیت صنعتی - یحیی مدنی ۴۷۵۹ م-الف آش-۹۸

آگهی تاسیس شرکت نادرانکوبا مسئولیت محدود

شرکت نادرانکوبا مسئولیت محدود در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۲۰ تحت شماره ۳۳۵۳۲ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود:
۱- موضوع شرکت: واردات و صادرات و خدمات
۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان نادرشاه نبش عباس آباد.
۳- سرمایه شرکت: مبلغ یک میلیون ریال.
۴- مدیران و دارندگان حق امضا: هردو نفر آقایان ناصرقلی خانی ونادرقلی خانی اعضاء هیئت مدیره شرکت می باشد آقای ناصرقلی خانی مدیر عامل شرکت و حق امضاء بامدیر عامل بپتنهایی و بامهر شرکت می باشد.

مدیر کل ثبت شرکتهما ومالکیت صنعتی - یحیی مدنی م الف ۴۷۴۲ آش-۹۲

آگهی تغییرات شرکت گنتری بامسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۲۲۸۲۳

طبق صورتجلسه مجمع عمومی مورخ ۲۷/۹/۵۷ تغییرات ذیل در شرکت نامبرده بعمل آمد: ۱- آقای مهندس حمید اسکندانی فرزند سید محمد بشناسنامه شماره ۱۶۸ صادره از تهران مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال بصندوق شرکت پرداخت نمود و بشرکت وارد شد ۲- آقای مهندس محمدرضا براتی مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال از صندوق شرکت دریافت نمود و سهم الشرکه خود را به سه میلیون و دویست و پنجاه هزار ریال تقلیل داد در نتیجه در سرمایه شرکت تغییری حاصل نشد و میزان سهم الشرکه آقای مهندس فرهنگ نادری علیزاده مبلغ دویست و پنجاه ریال و سهم الشرکه سایر شرکاء بشرح بندهای ۱ و ۲ بالا میباشد ۳- آقای مهندس حمید اسکندانی بسمت عضو هیئت مدیره شرکت برگزیده شد و مواد ۶ و ۸ اساسنامه بشرح مندرج در صورتجلسه اصلاح گردید.

مدیر کل ثبت شرکتهما ومالکیت صنعتی - یحیی مدنی ۴۷۴۶ م-الف آش-۱۰۲

آگهی تغییرات در شرکت تضامنی غلامرضا ویسه شرکاء ثبت شده بشماره ۲۶۳۷۲

طبق صورتجلسه مجمع عمومی مورخ ۱۰/۱۲/۵۷ آقای غلامرضا ویسه با دریافت مبلغ پانصد هزار ریال سهم الشرکه خود از شرکت خارج گردید و آقایان حسین بشردوست بشناسنامه ۱۶۷۹۵ تهران با پرداخت مبلغ دویست هزار ریال و محمدتقی تیموری عراقی با پرداخت مبلغ دویست هزار ریال جزء شرکاء شرکت قرارگرفت ضمنا آقای داود ویسه با پرداخت مبلغ یکصد هزار ریال سهم الشرکه خود را بمیزان ششصد هزار ریال افزایش داده اسامی شرکاء و میزان سهم الشرکه ضمنا اسم شرکت به شرکت تضامنی داود ویسه و شرکاء تغییر یافت.

مدیر کل ثبت شرکتهما ومالکیت صنعتی - یحیی مدنی ۴۷۵۶ م-الف آش-۱۰۱

آگهی تاسیس شرکت لشتی کو بامسئولیت محدود

شرکت لشتی کو با مسئولیت محدود در تاریخ ۲۲/۲/۵۸ تحت شماره ۳۳۵۳۰ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود:
۱- موضوع شرکت: مقاطعه کاری انعقاد قراردادهای ساختمانی وتاسیساتی و مهندسی وخدماتی وفرام نمودن بوازم و وسایل مربوطه از داخل و خارج کشور.
۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان فلسطین شمالی جنب گرمابه کاخ ساختمان بحری طبقه پنجم.
۳- سرمایه شرکت: مبلغ یکمیلیون و پانصد هزارریال.
۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقای مهندس حسن انوری بسمت رئیس هیئت مدیره آقای مهندس حسین انوری بسمت مدیرعامل و آقای علی انوری بسمت عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند کلیه اوراق از قبیل چک-سفته-بروات و اسناد تعهدآور با امضاء مدیرعامل و یکی از مدیران با مهر شرکت معتبر میباشد.

مدیر کل ثبت شرکتهما ومالکیت صنعتی - یحیی مدنی ۴۷۴۹ م-الف آش-۹۱

آگهی تغییرات شرکت ایران زوریخ بامسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۱۴۱۳۰

برابر صورتجلسه مجمع عمومی شرکاء مورخ ۹/۲/۵۷ تغییرات ذیل در شرکت نامبرده بعمل آمد ۱- آقایان اسماعیل صیون خاکشوری بوکالت از طرف آقایان یوسف و پرویز خاکشوری هریک ده میلیون ریال سهم الشرکه نامبردگان را از شرکت دریافت و آنان از شرکت خارج شدند و دیگر حتی و سمتی در شرکت ندارند. ۲- آقایان یعقوب خاکشوری فرزند اسماعیل بشناسنامه شماره ۹۱۳ صادره از رضائیه و داریوش خاکشوری فرزند اسماعیل بشناسنامه شماره ۱۳۲۴ صادره از رضائیه هریک مبلغ شش میلیون ریال و آقای اسماعیل خاکشوری فرزند یعقوب بشناسنامه شماره ۲۵ صادره از تبریز ساکنین تهران خیابان فردوسی ساختمان آفتاب شرق مبلغ هشت میلیون ریال بصندوق شرکت پرداخت نمودند و در ردیف شرکاء قرار گرفتند لکن در سرمایه که بیست میلیون ریال بود تغییری حاصل نشد و سهم الشرکه هریک از شرکاء بشرح فوق میباشد. ۳- آقای اسماعیل خاکشوری بسمت مدیر عامل شرکت برای مدت نامحدود انتخاب گردید و حق امضاء در کلیه موارد از جمله چکها - سفته ها - بروات و قراردادهای شرکت بامدیرعامل شرکت بپتنهایی و با مهر شرکت خواهد بود.

مدیر کل ثبت شرکتهما ومالکیت صنعتی - یحیی مدنی ۴۷۵۷ م-الف آش-۱۰۰

آگهی انحلال شرکت فرش پسندیده بامسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۲۷۹۴۳

طبق صورتجلسه مورخ ۲۵/۱۰/۵۷ فوق العاده مجمع عمومی شرکت مذکور منحل گردید و آقای حسینعلی بافنده بعنوان مدیر تصفیه شرکت تعیین گردید و محل مدیر تصفیه و محل تصفیه بازار سرای حاجی رحیم میباشد.

مدیر کل ثبت شرکتهما ومالکیت صنعتی - یحیی مدنی ۴۷۵۵ م-الف آش-۹۷

آگهی انتخاب اعضاء هیئت مدیره در شرکت سهامی خاص بازارگانی حلم ثبت شده بشماره ۳۳۷۰۵

برابر تصمیم مجمع عمومی عادی مورخ ۲۸/۲/۱۳۵۸ تغییرات زیر در شرکت مذکور بعمل آمد:
۱- آقایان: حسن کلاهی - جواد کلاهی و حسن افشار مازندران بسمت اعضاء اصلی و خانم قدسی احمدی یزدی بسمت عضو علی البدل هیئت مدیره برای مدت دوسال انتخاب شدند ۲- بموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۲۸/۲/۱۳۵۸ آقای حسن کلاهی بسمت رئیس هیئت مدیره و آقای حسن افشار کلاهی بسمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای حسن افشار مازندران بسمت مدیرعامل (هرسه نفر) برای مدت دو سال تعیین گردیدند ۳- حق امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار - چکها - سفته ها - بروات - اسناد رسمی و تعهدآور با مدیر عامل باتفاق یکی دیگر از اعضاء هیئت مدیره و یا رئیس هیئت مدیره باتفاق یکی دیگر از اعضاء هیئت مدیره و در هرحال با مهر شرکت معتبر میباشد.

مدیر کل ثبت شرکتهما ومالکیت صنعتی - یحیی مدنی ۴۷۴۷ م-الف آش-۱۰۳

آگهی انتخاب مدیرعامل وتعیین صاحبان امضاء مجاز در شرکت هلیوس بامسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۳۳۲۴۱

طبق صورتجلسه مورخ ۲۲/۲/۵۸ مجمع عمومی عادی شرکت هلیوس بامسئولیت محدود آقای غلامعلی نوروزی بسمت مدیرعامل شرکت برگزیده شدند و طبق ماده ۹ اساسنامه حق امضاء کلیه اسناد و اوراق بهادار چک - سفته - برات وغیره با امضاء مدیرعامل باتفاق امضاء یکی دیگر از شرکاء و مهر شرکت خواهد بود.

مدیر کل ثبت شرکتهما ومالکیت صنعتی - یحیی مدنی ۴۷۴۸ م-الف آش-۱۰۴

بقیه خبرهای درگوشی

جای پلیس و مامور اطلاعات در دانشگاه نیست

مفتخروهای اسیرا دربارہ تصفیه دانشگاه، در مطبوعات آغاز گردیده مایه رجحان فراوان استاید بافضیلت دانشگاه تهران شده است چه دفاع از کسانیکه با عنوان استاد در رسیده کارکنار دستگاههای انتظامی بوده اند در افکار عمومی بسبب قبول نیامده است.

این بحث با شرح مطلب آقای حسن صدر نویسنده نرایی در روزنامه اطلاعات درباره لزوم استفاده از علم این خودفروختگان باوج خود رسیده است زیرا مردم اعتقاد دارند که یک استاد بیشتر به حیثیت انسانی نیاز دارد تا مراتب علمی و اگر بنا باشد علم اشخاص جواز هر اقدام ضد ملی و انسانی باشد باید فاتحه آن علم خوانده شود. این حقیقت نیز قابل انکار نیست که در همین سنوات قدرت طاغوت بسیاری از استاید بی چاشین دانشگاه وسیله طاغوت و بجرم میهن پرستی از دانشگاه رانده شدند و کسی اعتراض نکرد ولی حالا که میگویند نوکران دستگاههای اطلاعاتی نباید ساحت علم را آلوده کنند، عدهای بر این اقدام خورده میگیرند ما برای توجه جوانانیکه نشان اقتصادی آگاهی از این سوابق را ندارد اسامی استایدیکه بجرم وطن پرستی از دانشگاه بدست نوکران رژیم اخرج شده اند در اینجا می آوریم:

آقای دکتر عبدالله معظمی - آقای دکتر سعابی - آقای دکتر کریم سنجابی - آقای مهندس مهدی بازرگان - آقای مهندس کاظم حبیبی - آقای مهندس احمد زیرک زاده - آقای دکتر کمال جناب - آقای دکتر سعید فاطمی - آقای مهندس خلیلی - آقای دکتر محمدعلی ملکی - و عدهای مردم باتقوا و با شرف دیگر.

دربطری دوغ آبعلی و دروازه تمدن بزرگ

یکی از پزشکان مورد اعتماد پرخاش اطلاع داده است که مدتی است عرضه دوغ آبعلی بی بازار تعطیل گردیده و علت آن هم عدم امکان تهیه دربطری است که تهیه نوع بهداشتی آن درکشور مقدور نیست دریافت این خبر ما را بیاد دروازه تمدن بزرگ و صنعتی شدن کشور میاندازد که درچه شرایطی این بلندگوهای استبداد به ترویج شعارتمدن بزرگ دست زده بودند درحالیکه طفلکها از تهیه در بطری هم عاجزند این هم تمدن بزرگ لطفنا - بفرمائید. تو

کشتار گوسفند غیرمجاز و دادگاه انقلاب

هفته گذشته وزارت بهداشتی و بهزیستی درجهت انجام وظائفی که برعهده دارد بصورت اعلامیه ای برای جلوگیری از کشتار غیرمجاز گوسفند مبادرت ورزید که بمناسبت وجود بیماریهای دامی نباید بیخ گوسفندان بدون معاینه اقدام شود تا اینجا مطلبی است اساسی و صحیح ولی در آخر اعلامیه متخلفین را به تعقیب در دادگاه انقلاب تهدید کرده بودند که مایه تاسف شد چه درحالی که همه مردم طالب اعاده وضع عادی هستند و مایلند دولت هرچه زودتر ارگانهای قانونی خود را احیا کند احاله امری چنین عادی درشهر تهران بدادگاه انقلاب در گوشه و کنار کشور ایجادنگرانی میکند چرا دولت ناگزیر است برای تعقیب کشتارکننده هم بدادسرای انقلاب متوسل شود و نتیجه آنکه همه حکام این دولت در استانها ضعیف تر میشوند و برای هرکار باید بدادگاه انقلاب رجوع کنند و عملاً وجود دولت را نفی سازند صادقانه توقع داریم همکاران آقای مهندس بازرگان در این قبیل اقدامات دقت بیشتری معمول دارند که موجب تضعیف دولت نشوند.

ورزشکاران باستانی از رادیو تلویزیون گله دارند

درآئین گشایش ورزشگاه ملی ورزشکاران باستانی از آقای قطب زاده سرپرست رادیو تلویزیون گله داشتند که پس از مدت ها که رادیو تلویزیون بفکر ورزش باستانی افتاده است باز هم فیلمی از ورزشکاران وابسته که با ضرب شاهنشاهی قدم میزدند در تلویزیون نمایش داده شده است ما درکار دفاع از تلویزیون نیستیم ولی باید اذعان کنیم که بعلت دوربودن همه طبقات مردم از دستگاه آنچه و بهرنام در آرشیه های گذشته موجود است از همین نمونه است و جادارد که سازمان رادیو تلویزیون در تهیه فیلمهای جدیدی درهمه زمینه ها اقدام کند تا رفع گله از ورزشکاران بشود.

حکمی که بالسویه آن هم عدل نیست

بالاخره بعد از سه ماه گفتگو ضوابط مربوط به تنبیه نمایندگان مجلسین دوره های ۱۵ ساله اعلام و مقرر گردیده است نمایندگان که مستعفی نشده اند برای همیشه و آنکه استعفا داده اند برای پنجسال از حق انتخاب شدن محروم شوند ولی فقط نمایندگان دوره اخیر حقوق دریافتی را باید مسترد دارند.

برای ما که از بی ضابطه بودن کارها سخت نگران شده ایم وجود این ضابطه مایه خوشحالی است.

ولی از نظر اصول عدالت خواهی هرگز نمی شود براین تصمیم قالبی و یکجا صحه گذاشت چه هر یک از این حضرات دارای شرایط خاص و متفاوتی هستند اول آنکه چه فرقی است بین وکلای ایران نوین و رستخیز و ثانیاً آنکه بلافاصله بعد از یورش ۱۵ خرداد دوازده سال کل حکومت استبداد را چید و در بیست و پنجاه مشارکت کردند چرا نباید بکارشان رسیدگی شود و حقوق نمایندگی را پس بدهند و افراد تمبی - دستی که برای جورشدن جنس و وزن شعر بمجلس اخیر

رفته اند باید پول نداشته را پس بدهند بطور مثال نواب صفا آه ندارد که با ناله سودا کند مریض هم هست بیخود هم وکیل شده اما بموقع استعفا داده و در حد مقدور هم تلاش کرده است حالا نواب صفا باید هفتصد هزار تومان بدهد که ندارد بدهد اورا بگیرد و در زندان هم بیاندازد که صورت پول نمیشود و مایه ابروریزی است اما هستند وکیلانی که ۱۲ تا ۱۶ سال وکالت کرده و دستشان در همه کثافتکاریها آلوده بوده و هست میلیونها هم شده اند و حالا هم بنابر حکم کلی فقط از حق انتخاب شدن محرومند.

بنظر ما بالسویه این حکم هم عادلانه نیست و حق است که در آن تجدید نظر شود.

لیست ساواکیها و بازداشت دو نفر

بالاخره اطلاع دادند که مسئولان وزارت اطلاعات لیست ساواکیهای مطبوعات را یواشکی با اختیار سندیهای نویسندگان گذاشته است این لیست که شامل ۴۵۰ نام و کد مربوطه بوده و چند تن از سرشناسان سندیگرا را در بر داشته است، از سوی دیگر شنیده شد که لیست نامبرده با اختیار دادسرای انقلاب هم گذاشته شده و در نتیجه از یک مجله هفتگی آقای خوش لقاکی که در شمار جوانان رستخیز بوده و ستارالمیوب هم بوده است بازداشت و سراغ مدیر سرفراز آن هم رفته اند که ایشان هم جاخالی کرده است با وجودیکه سسدم ار این آقایان رفع زحمت شده است باز هم از بازداشت اشخاص دیگری هم صحبت میشود.

تکلیف چاپخانه ها روشن میشود

شنیدیم که ارزش مؤسسه کیهان را حدود پانصد میلیون تومان برآورد کرده اند که در برابر آن رقم چهارصد میلیون تومان بدهی به مؤسست و بانکها وجود دارد و یکپنجاه و پانصد نفر کارکنان هم با سابقه های گوناگون مطالبات استخدامی از این مؤسسه دارند، بازشنیدیم باملی شدن بانکها بلحاظ وصول مطالبات دولت بالاخره ناگزیر خواهد شد که درباره مالکیت این چاپخانه هم چاره ای بیندیشد و محتلاً چاپخانه های بزرگ هم در برابر بدهیها مالکیت دولت درخواهد آمد. آخرین خبر حکایت دارد که طرفداران جمهوری اسلامی چاپخانه کیهان را از نماینده مصباح زاده خریداری کرده اند.

سندیگای مؤسسان جایگاههای اختصاصی

سندیگای مؤسسان جایگاههای اختصاصی شرکت ملی نفت ایران فعالیت خود را آغاز کرد و آقایان زیر بسمت اعضاء هیات مدیره سندیگا انتخاب شدند.

۱- مهندس رضا عبیدی رئیس هیات مدیره ۲- جعفر رفوگران نایب رئیس ۳- محمدحسین کیارشتی عضو ۴- اصغر بهارلو خزانده دار ۵- خانم مهین میرفضیحی عضو ۶- ابوالقاسم آسایش دبیر سندیگا ۷- محمد گنجی فرد عضو.

باید قبول کرد که دارندگان جایگاههای اختصاصی در برابر خدمات ارزنده ای که ارائه میکنند کارمزد مناسبی دریافت نمیکنند و با بودن آقای نزیه در راس شرکت ملی نفت توجه بخواسته های حق آنان مورد انتظار است.

همه کارگران کم کم روزنامه نویس میشوند

بالاخره قیام دسته جمعی کارگران در مؤسسه کیهان و اخراج عدهای از نویسندگان آن روزنامه بصورت یک تز جدید مطبوعات بدیگر مؤسسات هم سرایت کرده و هفته گذشته کارگران خواندنیها هم فرزند مدیر مجله را اخراج و مجله را با اختیار گرفتند و قیمت آنرا هم به نصف تقلیل دادند بنظر ما این قبیل اقدامات که از یکسو زائیده شرایط اجتماعی دوران انقلاب و از سوی دیگر عکس العمل اعمال گذشته این مدیران است هرگز جنبه اصولی ندارد چه اگر مصباح زاده بداست کیهان هم بد است و یا مگر میشود امیرانی خائن و شایسته زندان باشد و مجله او بدون خودش یک مجله ملی بشود بنظر ما باید دولت باین برتریهای خاتمه بدهد و تکلیف مالکیت این مؤسسات را روشن کند چه همانقدر که کارگران صالح بنویسندگی نیستند نویسندگان هم کارفرمی چاپ را نمیدانند و بالاخره مملکت هم حساب و کتاب مینماید.

تصفیه دانشگاه اصفهان آغاز شد

صفحات داخلی پرخاش چاپ شده بود که اعلام گردید تصفیه دانشگاه اصفهان آغاز شده و سی و چند نفر عوامل نامطلوب اخراج شدند ما پس از دریافت نام تصفیه شدگان نظراتمان را با اطلاع خوانندگان عزیز خواهیم رسانید و قبلاً برسم علی الحساب به آقای دکتر توسلی تبریک میگوئیم.

آگهی تصمیمات شرکت ۱۱۴۱۱ با مسئولیت محدود ثبت شده به شماره ۲۰۵۴۱

طبق صورتجلسه مورخ ۱۱/۱۱/۵۷ مجمع عمومی فوق العاده شرکت مذکور تصمیماتی بشرح زیر اتخاذ گردید سرمایه شرکت از چهار میلیون ریال به پانصد هزار ریال تقلیل یافت و سهام اشتر که هر یک از شرکاء بشرح زیر کاهش یافت . ۱- سهم الشرکه دکتر حسین مدرس از یک میلیون و ششصد هزار ریال به دویست هزار ریال . ۲- سهم الشرکه ذوق الله مومن از یک میلیون و ششصد هزار ریال به دویست هزار ریال . ۳- سهم الشرکه مهندس روح الله مادن خمی از هشتصد هزار ریال به یکصد هزار ریال .

مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی آش - ۸۸ م الف ۴۷۵۱

آگهی تغییر محل شرکت ساختمانی کیسون سها می خاص ثبت شده بشماره ۲۷۵۴۳

برابر صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۲۹/۱۲/۵۷ شرکت نامبرده مرکز اصلی شرکت از محل سابق به خیابان نادرشاه نبش خیابان کامکار شماره ۶۱ طبقه سوم انتقال یافت. مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی آش - ۹۰ م الف ۴۷۴۵

بانک ایرانیان و ابراهیم کریم آبادی



بصورت يك بانك صدرصد ملی ومورد اطمینان درخواهد آمد با اعتمادیکه محافل اقتصادی اجتماعی کشور بکریم آبادی دارند و با احترامیکه بسابقه مبارزات فراموش نشدنی اش در سازمانهای اداری و بازرگانی داراست بانك ایرانیان بزودی در ردیف یکی از بانکهای طراز اول کشور درخواهد آمد خاصه آنکه کریم آبادی در این مدت کوتاه با حمایت کارکنان صدیق بانك در اصلاح وضع آشفته آنجا توفیقات فراوان داشته است. مایه کمال خوشوقتی است که پس از ملی شدن بانکها نیز آقای کریم آبادی در سمت خود تایید گردید. این انتخاب را بدوست عزیز خود آقای علی اردلان وزیر امور اقتصادی و دارایی تبریک میگوئیم.

هفته گذشته مجمع عمومی بانك ایرانیان در محل بانك تشکیل و آقای کریم آبادی دوست عزیز و همکار گرامی ما بمادیریت عامل این بانك انتخاب شدند. با انتخاب کریم آبادی بانك ایرانیان که در مالکیت و ترکنازی هژبر یزدانی قرار داشت یکباره با یکصد و هشتاد درجه گردش

پیام ها و نامه ها

آقای سعید سلمانی لندن غرض ما از خواستن آدرس امکان مکاتبه با خود شماس است چه تصدیق میفرمائید همه روابط را نمیتوانیم وسیله روزنامه تنظیم کنیم.

اعتراض ایرانیان خارج به تغییر ساعت

خانم ایران - ت - از لندن مینویسند: از خبر تعویض وقت در تهران که وسیله صدای جمهوری اسلامی پخش شد شدیداً متاسف شدم چه وقتی طاغوت اینکار را کرد گفتند میخواهد باملام لطمه بزند حالا چرا حکومت جمهوری اسلامی خود همان کاری را میکنند که قبلاً مورد ایراد قرار داده بود. نویسنده اضافه میکند در کنسولگریهای ایران رفتار همان رفتار گذشته و طاغوتی است. بهم وطنان بی اعتنائی میکنند و فقط تنها تفاوتی که با گذشته دارند بدی لباس - درازی ریش - گوئی اسلام سلمانی و حمام را بر این مظاهرین منع کرده است. در حالیکه اسلام یعنی نظافت و ادب - ایشان التماس کرده اند که کارمندان جمهوری اسلامی باید آبروی مملکت را جلو خارجیان حفظ کنند.

آهنگر خبر جعل میکند

آقای عبدالمجید طیبی سخنگوی مکتب مصدق یا خطی خوش و منطقی شیرین نوشته اند - روزنامه آهنگر از قول آقای داریوش فروهر نوشته است که فرانسه هیچگاه انگیزه استعماری نداشته و آقای فریدون تنکابنی آنرا وسیله تخطئه آقای فروهر و اطلاعات تاریخی ایشان قرار داده در حالیکه این مطلب را آقای دکتر امیرعلانی در جلسه دانشگاه تهران و در جواب مطالب انواری در مهمانی جنبه روزنامه نگاران ملی گفته است. آقای طیبی این اقدامات مطبوعات وابسته را زذیلانه و موذیانانه خوانده است که میخواهند ایران را بدست اشخاصی مانند پل پیت یا مایله میریام بسپارند.

آگهی تاسیس شرکت عباسا هنی با مسئولیت محدود

شرکت عباسا هنی با مسئولیت محدود در تاریخ ۲۸/۲/۵۸ تحت شماره ۳۳۵۱ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتمانه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود:

۱- موضوع شرکت: خرید و فروش و معاملات انواع آهن آلات بطور عمده یا جزئی و وارد و صادر نمودن انواع آهن آلات.

۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان بوذرجمهری - شرقی ساختمان بانك سپه طبقه هفتم شماره ۵۹.

۳- سرمایه شرکت: مبلغ ده میلیون و پانصد هزار ریال.

۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: بانوزهر اسلامبولچی و آقایان مسعود آهنی و محمود آهنی و عباس آهنی بولایت از طرف مهر داد آهنی و بانو مریم آهنی و همکار آهنی بسمت مدیران شرکت انتخاب گردیدند و حق امضاء با مدیرعامل آقای مسعود آهنی و رئیس هیئت مدیره آقای محمود آهنی بتمنهایی با مهر شرکت معتبر میباشد.

مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی آش - ۱۰۶ م الف ۴۷۵۳

بسمه تعالی

دولت موقت جمهوری اسلامی ایران

آگهی تغییر محل در شرکت کشت و صنعت میرامین با مسئولیت محدود شرکت کشت و صنعت میرامین که ذیل شماره ۲۱۰ مورخ ۲۵/۳/۵۷ در دفتر ثبت شرکتها این اداره به ثبت رسیده برابر نامه شماره ۸۵۶-۲۳/۵۸ مدیر عامل شرکت مرکز شرکت مزبور را از نوشهر به تهران خیابان رامسر پلاک ۱۴ منتقل نموده اند.

کمال ترین پیشه - رئیس ثبت نوشهر آخ - ۹۹ م الف ۴۷۵۸

آیا وزارت فرهنگ و هنر میخواهد مجری

بقیه از صفحه ۱

در اندک مدتی کتابخانه‌های سراسر مملکت، هنرستانها، هنرکده‌های مختلف، کنترل‌امور سینمایی، بنیادهای ریز و درشت مانند بنیاد شاهنامه و غیره، فرهنگستانهای پوچ و ساختگی، دست‌اندازی به موزه‌ها و آثار هنری گذشته، روابط فرهنگی بین‌المللی و بالاخره دانشکده‌های هنری رازپرتر خود گرفت. ولی چیزی که در آن شبهه‌ناک نباشد اینست که در این دستگاه عریض و طویل از فرهنگ و هنر و دانش خبری نبود و نیست. کلمه هنر آن، چون تیغ و نشتری جانفرسا سبب آزار و جراحت دل‌هنرمندان رنج‌دیده و مستمکشیده است. زیرا از ابتدا دستگاه سانسور این وزارت بی هنر چون تیغه گیوتین بجان نویسندگان و هنرمندان می‌افتاد و آنان را بیرحمانه لت و پار میکرد. پهلبد که بزرگترین عذاب وی بیسوادیش بود و حال و حوصله و درک، گزارش و مطلب و شکوایتهای را نداشت و طبعاً بسبب ناتوانی و زبونی و بیعلاقگی مامور جاری وزارتخانه اینکار بوسیله افراد فرصت‌طلب و نابکار انجام میگردد. تنها وزیر در دیدار با آنها لبخند پیروزمندانه سر میداد. بارها از مدیران کل وزارتخانه شنیدم که هیچ‌ارمغانی باندازه لبخند پهلبد برایشان خوشایند و لذت‌بخش نیست. پر واضح است در قبال چپاولگری و ناراحتی و ستم باطرفیان این لبخندها دلیل تأیید و تشویق تاراجگران بیت‌المال مملکت بوده است. بسبب خوری فرعون‌پهلبد که به تقلید و ناشی از قدرت اربابش، شاه بود یکمده کلاش بنام معاون وزیر و مدیر کل دور او جمع شده بودند و بابل‌بله قربان‌گوئی آنچنان ویرا احاطه نموده بودند که بدرستی دربار دیگری در مقابل باب عالی یا آستان ملک آشیان گشوده بودند. هیچکس شکی ندارد که هیچ‌وزیری بیای او نرسید و بدان درازی وزارت نکرد و هیچ معاون و مدیر کلی هم در دستگاههای دولتی و وزارتخانه‌ها، بیای معاونین و مدیران کل وزارت فرهنگ و هنر نمی‌رسیدند.

ایادی پهلبد چون حشمتی‌ها، خردمندها، هاگوپینها، ریاحی‌ها، بهروانها، نیرمحمدی‌ها در تحت لوی آن قدرت فرعونی به مال و منال بی‌حساب رسیدند و زیر چتر پرسیایه پهلبد دوران پرسعادت دور و درازی را سپری کردند. اگر تازه‌واردی باین وزارتخانه وارد می‌شد، در همان اولین روزهای ورودش چنان بوی نامطوبی را استشمام مینمود، که دچار سرگیجه و وازدگی عجیبی میگردد. این تازه‌وارد بنابر سیر طبیعی یا باید در کام کوسه‌های خونخوار (اطرفیان وزیر) هضم می‌شد و یا با کمتر مقاومتی که بخرج میداد با سمپاشیهای خطرناک کاملاً مضمحل و نابود میگردد. برآستی اطرفیان پهلبد از کلیه معاونین و مدیر کل‌های وزارتخانه‌های دیگر خوشبخت‌تر و کامروا تر و حکمروا تر بودند. سخن بسیار است، بهتر است کمی در مورد خاصیت و فایده این دستگاه طاغوتی، دربار ثانی یا وزارت بی فرهنگ و بی

هنر اشاره نمایم. یکی از سازمانهای تابعه و وابسته این وزارت امور سینمایی بود. این اداره عریض و طویل در واقع مسئول کنترل سینماها و فیلمهای مختلف بشمار میرفت. درحالیکه عملاً مشاهده میشد این دستگاه مامور مستقیم انحرافات اخلاقی و عاطل و باطل کردن نیروی خلاقه جوانها و دانش آموزان و دانشجویان بود. با اینکه در دوره طاغوتی کاملاً قابل لمس بود که فساد، جامعه‌رانه‌دید به ویرانی و سقوط می‌کند، این سازمان عمداً اجازه نمایش فیلمهای بسیار زشت و زننده را صادر می‌کرد.

ایجاد بنیادهای فرهنگی ریز و درشت و دهان‌پرکن، فرهنگ واقعی را نابود کرد برای مثال بنیاد شاهنامه خود وسیله‌ای بود که روح بزرگ ابرمرد حماسه ایران حکیم فردوسی را جریحه‌دار ساخت.

دانشکده‌های هنر این وزارتخانه واقعا تماشائی است. پهلبد بعنوان مختلف سعی میکرد که حس جاه‌طلبی را در گسترش‌یافته‌های فرسوده و پوسیده این وزارتخانه که سمبل نظام طاغوتی بود ارضا نماید. ابتدا دو دانشکده بنامهای، هنرهای تزئینی و هنرهای دراماتیک بوجود آورد. این دو مرکز بوسیله عناصر نامناسب و ماموران مخصوص! رهبری و اداره می‌شد و جز سرگردانی و بیکاره کردن جوانها و بدبین نمودنشان به هنر و علم و فرهنگ فایده‌ای نداشتند. عجیب آنکه وزیر بی تدبیر به اینهم اکتفا نمود و سرانجام دانشگاه هنر را تراشید. ثمره اینکار فقط ریخت و پاش بیشتر و حیف و میل بیت‌المال کشور بود.

سازمان دیگری این دستگاه بیفرهنگ و بیهنر روابط فرهنگی بین‌المللی است. تا آنجا که بیاد دارم این دستگاه مایه رشک و حسد دیگر گردانندگان وزارتخانه بوده است. پهلبد خواه و ناخواه، بجا و نابجا در هر کشوری يك رایزنی فرهنگی علم کرده است. هر رایزنی برای چپاول بیشتر و از بین بردن ثروت ملی و بیت‌المال پابرنه‌های مملکت چند خانه فرهنگی زیر پرده داشت. کلیه رایزنها و روسای خانه‌های فرهنگی با نظارت دربار و ساواک تعیین می‌شدند. رایزنیها لانه‌های فساد و جاسوسی بودند. جزیره‌ساز و خبرچینی و دروغگوئی و نادرستی کاری انجام نمیدادند. پول و ثروت کلانی صرف میهمانها و جشنهای بیموردی مثل چهارم آبان، تولد ولیعهد، تولد ملکه، ششم‌بهمن اعیاد ایرانی و خارجی و بالاخره صدها دعوت‌های بیخارج می‌شد. یکی از وظایف مهم رایزنیها و خانه‌های فرهنگی وابسته رسیدگی به روزنامه‌های کشورها بود که حرفی، مطلبی مخالف شاه و حکومت طاغوتی ایران درج نشده باشد. و حتی اگر تمجید و ستایشی در روزنامه‌ها منعکس می‌شد این مطالب بانظارت دریافت پاداش و لفت‌ولیسهای بیشتر با آب و تاب در گزارشات ماهیانه درج میگردد و به پهلبد گزارش می‌شد تا ایشان بعارض ارباب کل، شاه پرسیانند. من نمیخواهم نقض غرض کرده باشم فقط توصیه می

یادی از خلیل ملکی

بقیه از صفحه ۴

اعضای جامعه، حمایت همه‌جانبه از گروه‌هایی که در خارج از ایران علیه رژیم کشور فعالیت دارند... ائتلاف با دستجات مختلف برای ایجاد «جبهه ملی سوم ایران» و اقداماتی از این قبیل را می‌توان ذکر کرد.

... با توجه به مراتبی که اعلام شد و مدارک منضمه پرونده امر، قریباً نسبت به اینکه احزاب و جامعه متشکله توسط آقای خلیل ملکی دارای مرام و رویه ضد سلطنت مشروطه بوده نمی‌توان داشت. نامبرده در تحقیقات معموله ضمن اعتراف به قسمتی از مطالبی که فوقاً مذکور افتاد، سعی نموده است که جنبه ضد سلطنتی را انکار کند. ولی با توجه به آنچه گذشت و بخصوص روزنامه‌های نیروی سوم (که پیوست پرونده می‌باشد) انکار نامبرده موجه به نظر نمی‌رسد...

نوع بزه و انطباق آن با قانون با توجه به دلایل معروضه فوق، بزه انتسابی... از درجه جنایت بوده و عمل ناشی از آنان منطبق است با قسمت اخیر بند یک ماده یک قانون مجازات مقدمین علیه امنیت و استقلال مملکتی مصوب ۲۲ خرداد ماه ۱۳۱۰...

دادیار دادسرای ارتش - سرهنگ مسعود انصاری

چکیده‌ای از بیانات ملکی در بیدادگاه نظامی، در شرح شرایط «بازجویی» سازمان امنیت پیش از محاکمه.

... اما راجع به قزل‌قلعه باید مطالبی را به عرض دادگاه برسانم. من درسی سال پیش مدتاً در زندان مجرد بوده‌ام. اما آن اطاق‌های زندان موقت شهر بانی راسونیدی‌ها ساخته بودند و دست‌کم اصولی بود و حجمی و هوایی و روشنائی داشت. حال آنکه مجرد‌های قزل‌قلعه مثل اینکه از طرف کودکان ناشی ساخته شده: کمتر از دو متر در دو متر در دو متر است از سنگ و آجر - فقط می‌ماند شش‌متر مکعب فضا. وقتی انسان روی این سکو دراز می‌کشد، اگر سرش به دیوار نخورد پاهایش ختمابه دیوار می‌خورد (این نوع سلول‌ها در بین زندانیان به «طاق قبری» شهرت داشتند - پرخاش) در سلول با چفت و بست سنگین و پرسرو صدا و اعصاب خردکن از طرف سربازهای تازه کار و با انضباط (!) قرص و محکم باز و بسته می‌شد. تنها روز به‌هوا می‌آزاد (اگر بتوان روزنه و هوای آزاد هم گفت!) عبارتست از پنجره نیم‌متر در نیم متر که کرکره ثابت و غیر متحرکی دارد بامیله‌های آهنی پهن که اصرار دارند همیشه پوشیده بماند. نه از داخل خارج را می‌توان دید و نه از خارج داخل را. روز اولی که من وارد آنجا شدم دیدم موشی دارد سعی می‌کند از دیوار برود بالا. از سربازها تقاضا کردم که بیایند لاقل او را آزاد کنند! آخر یکیشان آمد و بادست خود او را کشت...

... می‌دانید که من دچار انفارکتوس هستم و قلبم نیازمند به هوای آزادی است. بارها شد که وقتی آقای بهزادی پور (بازرس ارتش) سر -

زده وارد سلول‌ها می‌شد، مرا می‌دید که رفته‌ام بالای سکو و سرم را توی درگاه پنجره گذاشتم آزاد بکشم...

... همین‌جوری شد که پس از مدتی انفرمیهای به نام دکتر آمد و تجویز کرد که در اطاق مرا باز بگذارند و به متخصص قلب ارتش نوشت که بیاید و مرا معاینه کند. درست بیست روز طول کشید تا آمد (باز جای خوشوقتی است!) آمد و بیماری قلب مرا تأیید کرد و ورقه‌الکترو کاردیوگرام را به سازمان امنیت فرستاد. اما دستور آن انفرمیبه و آن پزشک قلب بیش از بیست و چهار ساعت طول نکشید و از نو در اطاق مرا بستند، چرا که مامور بازجویی سازمان امنیت (که خود را حسین‌زاده معرفی می‌کند، اما گویا عظیم‌پور نامی است) وقتی آمد و دید در باز است، دستور داد که امر پزشک اجرا نشود - و به من گفت که «باز بودن در خوب نیست، دستور می‌دهم روزی نیمساعت شما را ببرند هواخوری». اما يك قلب مریض که نمی‌تواند از صبح تا غروب صبر کند و فقط روزی نیمساعت هوای آزاد داشته باشد. هرچه به رئیس زندان و بازپرس و دیگران می‌گویم که بازجو و بازپرس باید به نظر پزشک عمل کنند و نه پزشک طبق دستور بازجو مگر فایده دارد! آخر در صورتی که پزشک تصویب نکند بازجویی و بازپرسی‌ارزش قضائی ندارد... جواب همه این حرفها و اعتراضات سکوت است و لبخندی به صاف و سادگی من که چرا هنوز نمی‌دانم که سازمان امنیت درین کشور فعال‌مابشاء است - حتی در مورد مسائل بهداشتی و طبی.

بسیار واضح است که این نوع رفتار برای خرد کردن روحیه زندانی است. نسبت به من شکنجه و فشار دیگری وارد نیامد، غیر از یک شب که بازپرسی توأم با تهدید بود و يك گردن کلفت پشت سرم ایستاده بود و بازپرس خیلی تهدیدآمیز حرف می‌زد. خودش اصرار داشت مطالب اظهار شده را بنویسد و در آن مطالب اغلب تحریف می‌کرد. هی من می‌گفتم آقا جان! من این‌طور نگفتم، مگر به خرجش می‌رفت؟ بارها او را واداشتم که کلمات و عبارات خود نوشته را قلم بزند و از نو بنویسد. و باز... آیا این را می‌گویند بازپرسی؟ و آخر اگر این شکنجه نباشد، پس چیست؟ بهمین مناسبت من پرونده بازجویی این مرد را هیچ نخوانده‌ام چرا که اصلاً ارزش قضائی ندارد. آخر من سواد دارم، نویسنده‌ام، در اروپا تحصیل کرده‌ام، ده‌ها جلد کتاب نوشته‌ام و مجله‌ها و روزنامه‌ها اداره کرده‌ام و آنوقت اوراق

حزب آرمان

کمیته مرکزی حزب آرمان ملت موجودیت و فعالیت این گروه سیاسی را اعلام داشت. این سازمان که بنیانگذارانش گروهی از مبارزان قدیمی جبهه ملی و پیرو راه دکتر محمد مصدق هستند، مبنای اندیشه و ایدئولوژی آگاهی‌ساز اسلام و فرهنگ ایران و اعتقاد بر اصل ملیت ایرانی که نمودهای اصلی آنرا ایدئولوژی آگاهی‌ساز اسلام و فرهنگ غنی و دیرپای ملی تشکیل می‌دهد و نیز ایدئولوژی ملی گرایانه و مردمی بنیاد نهاده است. در قسمتی از مرامنامه این حزب می‌خوانیم:

«حفظ وحدت و یکپارچگی ایران همراه با پاسداری سنتها و فرهنگها و گویش‌های اصیل قومهای ملی».

و در جایی دیگر:

«ایجاد شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جهت شکوفائی استعدادها و توانائی همه افراد کشور».

و نیز می‌خوانیم: «حفظ اتحاد موجود بین کلیه گروه‌های مبارز و رزمنده ملی کشور در این برهه از زمان جهت پاسداری دست آورد های انقلاب اسلامی آرمان ملت ایران و سرکوب هر نوع حرکت ضد انقلابی از سوی دشمنان درونی و سرسپردگان بیگانه».

• خبر دیگر در مورد حزب آرمان ملت، اینکه:

این حزب تمایل خود را در راه همستگی با جبهه ملی به کشته‌های آگاهی‌ساز ملی اعلام و تقاضا کرده است تا حفظ و تکمیل سازمانی خود، با جبهه ملی ائتلاف نماید.

بازجویی سازمان امنیت از من نباید به خط خنده باشد. من بارها زندان به‌ده‌ام، بارها بازجویی شده‌ام، اما این اول بار است که چنین رفتاری را دیده‌ام... بازجویی شما تا در وقت‌ها می‌گشود اما مال دنگران حتی تا ساعاتی پس از نیمه‌شب طول می‌کشد. نه دکتر سامی توهین فراوان و شکنجه عملی کرده‌اند و نه من نسبت به دانشجویان زندانی شانس چنان مورد شکنجه قرار گرفتم که تصمیم به انتحار گرفته‌ام - که جلوش را گرفتند و همه اینها بوسیله همان مامور سازمان امنیت... يك روز دوستان مرا آورد تا با من روبرو کنند. آنها را پشت سر من نشاند و به من قدغن کرد که برنگردم. گفتم این را که مواجه نمی‌گویند و اگر غیابی باشد که چه احتیاجی به این آمد و رفت!

دادگاه محترم! اینهاست نقش و نگار این ایوان بی‌شکسته. واقعا جای بسی تأسف است که چنین موجوداتی به نام دادرسی ارتش و سازمان «امنیت» این‌جور توأم با شکنجه عمل می‌کنند...

بفروش میرسد

جایگاه فروش مواد نفتی سد شاه عباس و چایخانه جنب آن واقع در جاده اصفهان - خوزستان کیلومتر ۵۵ اصفهان یکجا و با بطور جداگانه بفروش میرسد، علاقه‌مندان در اصفهان با تلفن ۴۴۰۶۹ تماس بگیرند.

شلاق

شب است و موج ظلمت و زندان بزرگ شاه کوچک، شاه کجسته دریاکشی که از مهر و محبت بهره‌ای نبرده است، و نفیر شلاق شکنجه‌گرانش، صدای چندش‌آور گرگان هزار - چهره‌اش صغیرگلوله‌های جانسوز و جانشکار تفنگ‌چی‌ها و مسلسل‌دارانش، همه‌جا بگوش میرسد، روح پر جلال شب را، موج ظلمت فراگرفته است، و فریاد جان‌نخراش آزادیخواهان و مظلومین در زیر آسمان ایران در همه‌جا پیچیده است. غرش توپها و تفنگها و مسلسلها و دستگاه پوشالی تبلیغاتی او بگوشهای شنوا مهلت ننمیدهد، آوای غم‌انگیز مظلومین شیردل و بی‌پناهان و دربندشدگان رژیم کرسکس پیر را بشنوند... در فضای تاریک زندان، بوی نم، بوی عرق مسموم‌کننده‌ای پیچیده است و دود سیگار تنفس همه را ناراحت کرده است...

پناگهان در دل تیره شب بانگ دل‌ارای الله اکبر، غوغای شب هراس‌آور را به آرامشی روحانی مبدل میسازد و این‌آوای دل‌انگیز معنوی، از شکاف دریچه زندان بگوش زندانیان شب - زنده‌دار میرسد، نوری در دلها و فروغی در جانها روشن میشود و نغمه امیدی در گوشها می‌پیچد و از اعماق تیره و نمناک سلول زندان مردی بلند قامت و شجاع فریاد برمی‌آورد: ای هم‌رزمان و هم‌بندان، بروشنی خورشید بامدادی، فروغ دل‌آویز آزادی را مینگرم، که از عظمت نغمه پرشکوه الله اکبر فضای ایران زمین را دربر میگیرد، هم‌رزمان مطمئن باشید، که صبح آزادی جلوه‌گر خواهد شد، و کرسکس پیر و جفندان شوم او میگریزند، و صاعقه‌ای آتشبار شعله بر تار و پود ستمگران میزند، و موج ظلمت را میشکافد و خورشید آزادی پدیدار میگردد و نفیر پرشکوه جلوه‌گر میشود، و سد اختناق سیاه شکسته میگردد.

ناگهان فریاد جان‌نخراش سرزندانان خونخوار برمیخیزد... که خاموش باش... خاموش باش... که نفیر تازیانه‌ام، پیکر بلندبالای تورا میخواند، از آزادی سخن مگو، که اینجا زندان است و شکنجه و شلاق من دشمن آزادی و یار پیکر عریان تو و هم‌بندان تو هستم.

باردیگر، سلولهای زندان در سکوت و ظلمت فرو میروند، ولی صدای حق خاموش نمیشود و بازهم از فراز کلدسته مسجدی، بانگی پرشکوه و نغمه‌ای جاودانی برمیخیزد، که صدای آزادی سرمیدهد و آتش بتار و پود ستمگران میزند، این صدای پر حشمت بازهم میخواند: الله اکبر الله اکبر و این نغمه جان‌بخش در ژرفای آسمان و ستیغ کوهها و گسترده زمین و در دل جنگلها و در اعماق دشتها می‌پیچد... و سرزندانان متکبر و خودخواه، با خشونت دریچه نیمه‌باز زندان را بهم میکوبد، و آنرا محکم می‌بندد، اما لحظه‌ای بعد، هر آزادی - خواهی، از سلول پر ظلمت و نمناک خود فریاد برمیآورد: الله اکبر.

و سرزندانان فاسد باد دیگر دژخیمانان، در چهارراه سرگردان زندان، با تازیانه‌هایشان ظاهر میشوند، و نفیر جانسوز شلاق‌های آنها، با فریادهای در حلقوم خفه شده شیران در بند شده و آزادیخواهان قهرمان بهم درمی‌آمیزد، ساعتی میگذرد، زعد و برقی مهیب جلوه‌گر میشود، و طولانی شهمکین برمیخیزد و یکبار دیگر دریچه زندان را میگشاید،

آگهی مناقصه

سازمان آب و فاضلاب اصفهان تعدادی سیفون وزانو ولوله های چدنی مورد نیاز خود را با رعایت آئین نامه معاملاتی سازمان و شرایط ذیل خریداری می نماید .

- ۱- دوطولین شرکت در مناقصه می‌توانند اسناد مناقصه را حداکثر تا پایان ساعت اداری روز پنجشنبه ۱۳۵۸/۳/۳۱ با در دست داشتن رسید پرداخت مبلغ دوهزار ریال که بحساب جاری شماره ۹۰۶۹۳۲ بانک ملی ایران شعبه اصفهان واریز شده باشد از دفتر فنی سازمان واقع در خیابان چهارباغ بالا - هزارجرج بی - خیابان پاسارگاد دریافت دارند.
۲- تاریخ تسلیم پیشنهادات حداکثر تا ساعت ۱۲ روز پنجشنبه ۱۳۵۸/۳/۳۱ خواهد بود به پیشنهاداتی که پس از این تاریخ تسلیم گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۳- پیشنهاد دهند بایستی ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه به مبلغ ده درصد مبلغ کل پیشنهادی خود را مطابق با فرم نمونه ضمانتنامه پیوست اسناد مناقصه تهیه و ضمیمه پیشنهاد خود تسلیم نمایند. ضمانتنامه مورد نظر بنام سازمان آب و فاضلاب اصفهان صادر و برای مدت سه ماه از تاریخ تسلیم پیشنهاد معتبر خواهد بود. به پیشنهادات فاقد ضمانتنامه شرکت در مناقصه ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۴- پیشنهادات رسیده در ساعت یک بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۳۵۸/۳/۳۱ در دفتر فنی سازمان باز و قرائت خواهد شد.
۵- حضور پیشنهاد دهندگان و یا نماینده رسمی آنها در قبال ارائه معرفی نامه مستند در جلسه افتتاح مناقصه آزاد است.
۶- سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات آزاد است.
آش- ۸۷ سازمان آب و فاضلاب اصفهان

و پرتوی از نور پرفروغ خورشید بامدادی فضای زندان را روشنی می‌بخشد و زندانیان و دربندکشیدگان شمع آزادی را مینگردند، که بردل‌هایشان پرتو افکنی میکند، و تیرگیهای پیکرهای بلندبالای خود را، از شلاق ستمگر بزرگ تاریخ، شاه کوچک بهیچ می‌شمرند، زیرا آنها در ظلمات شب، فروغ یزدان را مینگریستند و صدای آزادی را می‌شنیدند، و در انتظار فردا و فرداها بسر می‌بردند... و این فردا آمد، و نام شادروان مصدق کبیر بار دیگر در فضای وطن طنین افکند... و ابراهیم زمان آمد، و این روح خدا، صلابت مردانگی و تجسم واقعی ایمان و عدل اسلامی را جلوه‌گر ساخت، امام خمینی چون خورشید طلوع نمود و زوال پهلوی‌های کجسته را پدید آورد، زندانها، بندها و سلولها گشوده گشت، و فروغ آزادی با شهمپ زرين داد و ایمان و تقوا، و وطن دوستی در آسمان ایران بطیران درآمد...

برادر، خواهی، هموطن، آزادی را حرمت بنهیم، و قدر و قیمت آزادی را، با هم خون و قلب و روان و احساس و عقل و اندیشه خود بدانیم. آزادی دشمن فراوان دارد، زندان، شلاق، شکنجه، اختناق، سانسور، سرنیزه‌ها و گلوله‌های جانشکار خصم آزادی هستند...

غار تگران جهان‌خوار، و دیوان بین‌المللی همیشه در نبرد با آزادی هستند و مربع شوم استعمار، استثمار، استعمار و استبداد را چون یوغی برگردن آزادیخواهان می‌گذارند. هموطن، ای از بندرستانگان، خواهران، برادران متحد باشید، متفق باشید و ایران زمین را در پرتو نور ایمان و اسلام ترقیخواه نگهبانی کنید، و برای آبادانی و خرمی آن بکوشید، اینک دیگر دوران سازندگیست، دوران کار و کوشش است، زمان راه پیمائیهای پر حشمت گذشته است و آغاز کار پیمائیهای پرشکوه و سازندگیهای بدیع در این سرزمین مقدس و خدا پرست فرارسیده است.

انقلاب را ارج بنهیم و یکبار شبانه روزی وارزنده عشق بورزیم. و از کاهلی و سرگردانی و گریز از مسئولیت روی بپیچیم و بمردم ایران و بوطن عزیز خود ببیندیشیم...

آگهی تغییرات در شرکت ساختمانی کارگر با مسئولیت محدود ثبت شده شماره ۱۴۱۴

برابر صورتجلسه مجمع فوق العاده شرکت مورخ ۵۸/۲/۲۵ تغییرات زیر در شرکت مذکور بعمل آمده است. ۱- آقای احمد شمعی کلیه سهم‌الشرکه خود را از صندوق شرکت دریافت و دیگر هیچگونه حق و سمتی در شرکت نامبرده ندارد.

۲- آقای حبیب‌الله طراحی بشناسنامه شماره نود و هفت صادره از شهرضا با پرداخت مبلغ یکمیلیون و پانصد هزار ریال بصندوق شرکت در ردیف شرکاء شرکت قرار گرفت و در نتیجه در سرمایه شرکت هیچگونه تغییری حاصل نگردید و شرکا فعلی و سهم‌الشرکه هر یک بشرح زیر است.

آقای علی فرید مبلغ چهارمیلیون و پانصد هزار ریال آقای حبیب‌الله طراحی مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال.

۳- مواد ۱۸ و ۱۹ اساسنامه بشرح زیر اصلاح گردید ماده ۱۸ اصلاحی (اداره امور شرکت بعد از دو نفر است که بنام هیئت مدیره شرکت نامیده میشوند و برای مدت نامحدود انتخاب میگردند و هیئت مدیره از بین خود یک نفر را به سمت مدیرعامل و یک نفر را به سمت رئیس هیئت مدیره انتخاب و تعیین میکنند ماده ۱۹ اصلاحی حق امضاء کلیه اوراق و اسناد مالی شرکت با امضای مدیرعامل و در غیاب مدیرعامل امضای رئیس هیئت مدیره و پامهر شرکت معتبر است.

۴- آقای حبیب‌الله طراحی به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای علی فرید به سمت مدیرعامل شرکت برای مدت نامحدود انتخاب شدند. عبدالحسین فروزه - مسئول ثبت شرکتهای ثبت اصفهان م الف ۲۴۵ آش- ۸۶

آگهی تغییرات در شرکت تپش باف (سهامی خاص) ثبت شده شماره ۱۸۰۳

برابر صورتجلسات مجمع عمومی عادی و فوق العاده مورخ ۱۳۵۸/۲/۲۸ تغییرات زیر در شرکت نامبرده بعمل آمده است.

۱- قرارنامه سال ۱۳۵۷ شرکت به تصویب رسید و آقایان منصور آل عطابحی و مهدی ابریشم کار اصفهانی به ترتیب به سمت بازرسان اصلی و علی‌البدل شرکت برای مدت یکسال انتخاب شدند. ۲- سرمایه شرکت از مبلغ شصت میلیون ریال به مبلغ نود میلیون ریال افزایش یافت و ماده ۵ اساسنامه بشرح زیر اصلاح گردید (سرمایه شرکت مبلغ نود میلیون ریال است که به چهار هزار و پانصد سهم بیست هزار ریالی با نام منقسم گردیده و تماماً پرداخت شده است) - ضمناً اضافه سرمایه طبق گواهی شماره ۵۴۷۳ و ۱۰۷۱۴ بانک ملی. وسیله شعبه اصفهان پرداخت گردیده. ۳- مواد ۱ و ۴ اساسنامه بشرح زیر اصلاح شده است - ماده ۱ نام و نوع شرکت به (شرکت تولیدی و صنعتی فرش ماشینی اصفهان باف سهامی خاص) تغییر یافت - ماده ۴ اصلاحی (مرکز اصلی شرکت به (اصفهان خیابان نواب صفوی شماره ۵۰) انتقال یافت). ۴- روزنامه اولیاء اصفهان جهت درج آگهی های شرکت تعیین شده است. مراقب در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۳۱ ثبت و از لحاظ امضاء تکمیل گردید. آش- ۸۵ م الف ۲۴۳ مسئول ثبت شرکتهای ثبت اصفهان عبدالحسین فروزه

سین دکتر تو آفاسلی و مهند بجنوردی حتما بخوانید

روحانیت متعهد اصفهان نیز التفات فرمایند

شبکه طاغوتی برای اعمال نفوذ

آقای مدیر: در شماره گذشته مطلبی درباره روابط طاغوتی استاندار سابق اصفهان داشتید که خیلی ناقص و نارسا بود لازم دانستم اطلاعات خود را با اختیار خوانندگان عزیز پر خاش بگذارم. اولاً مشخص ایشان از حاشیه نشینان مجالس خانوادگی آقای جعفر کازرونی بوده و هستند و ماجرای تفریحات سالم ایشان و بازی موسیقی فروش ربع خوب داری (یعنی رب) که ایشان بازیگر آن بوده و هستند از حوصله این مقال خارج است و داستان مسافرتهای ایشان را در معیت آن خانواده به وقت دیگری می‌گذارم که آبروی حاجیه را نریخته باشم.

ولی مطلب جالب اینست که شما عناصر شبکه را از یاد برده‌اید یک سرقضیه کازرونیها هستند که «اخیراً چک پنجاه هزار تومانی» برای کارهای خیر به آقای واعظی سپرده‌اند تا وسیله لوٹ کردن فعالیت های ضد ملی ایشان قرار دهد و ایشان همه جا حرف از این کمتر به استناداری تشریف می‌برند خدمت نوع دوستانه می‌زنند ولی نمیدانم چرا دوسه روزی است که آقای واعظی لطف فرموده و ولی پشت سر مهندس بجنوردی غرولند میکنند که اشتباه کردم او را با اصفهان آوردم بهر حال حالش از لحاظ سلامتی خوب نیست و نباید سر بر سرش گذاشت گویا علمای اصفهان هم متوجه بیماری جدی او شده باشند. اما عوامل دیگر شبکه همانطور که نوشته بودند یکی از سرمایه داران احمد آبادی اصفهان و شریک شکارومین بن شاهپور غلامرضا است که شییی به نام دکتر رناسی را با والاحضرت منیثه همسر غلامرضا آشنا کرده و بنیاد آموزشی والاحضرت !! شاهپور غلامرضا پهلوی را در اصفهان تاسیس کردند.

درباره این دکتر رناسی هر چه بگویم کم است همه دانشگاهیان میدانند که با دادن پول در کنکور دانشکده داروسازی ثبت نام کرد و گذش در آمد طبق پرونده موجود در اداره کل بازرسی وزارت فرهنگ (آنوقت دانشگاهها تابع وزارت فرهنگ بودند) او را از دانشکده داروسازی اخراج کردند و با تمشیت دوباره خود را داخل کرد زندگی فرهنگی او سراسر فساد است در هنگام دبیری و تصدی دبیرستان در اصفهان پرونده های سوءاستفاده مالی و آموزشی فراوان دارد.

هنگامیکه معتمدی وردست والاحضرت !! فاطمه پهلوی دانشگاه اصفهان را تیول فساد و تباهی کرد بمصداق کور کور را میجوید و آب گودال را معتمدی لوٹ نگردد.

سخن کوتاه هفته

مطبوعات حتماً قانون میخواهد

انتشار طرح قانون مطبوعات موج اعتراض همه گروهها را بر علیه قانون مزبور برانگیخت همه باظهار نظر پرداختند و بکاری صواب دست زدند. ولی آنچه جالب توجه بود اظهار نظر بعضی از دوستان و همکاران که یکباره پنبه قانون را زدند و گفتند اصلاً مطبوعات دوران انقلاب قانون نمیخواهد.

ما واقعا از استدلال این عزیزان که بعضی حقوقدان هم هستند سر درنیاوریم چطور مطبوعات قانون نمیخواهد؟

مطبوعات قانون میخواهد ولی این لایحه که همه اش حرف از تنبیه و مجازات دارد لایحه مورد نیاز امروز نیست و شعار قانون نمیخواهیم هم عکس العمل فشارهای ۲۵ ساله است. ما در شماره آینده نظر خودمان و هم چنین همکاران چهره روزنامه نگاران ملی را با استفاده از مهلتی که داده شده با وزارت اطلاعات در میان خواهیم گذاشت.

دکتر بهروز برومند

سرپرستی دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر بهروز برومند پزشک عالقدر و متخصص برای سرپرستی دانشگاه علوم پزشکی ایران انتخاب شده است دکتر برومند از زمره پزشکان شایسته کشور است که فضیلت پزشکی را با خدمات مبینی به هم آمیخته و از دوران تحصیل در دبیرستان تا زمانیکه بعنوان متخصص کلیه خدمت میکرده است لحظه ای از خدمات و مبارزات اجتماعی غافل نبوده است.

دکتر برومند در راستین نهضت ملی ایران و کسانیت که شرافت پزشکی را در خدمت خلق متبلور احساس میکنند این انتخاب نیکورا به آقای دکتر برومند است. وزیر علوم تبریک میگوئیم.

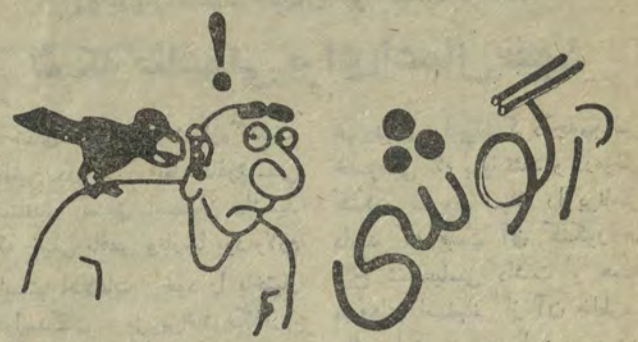
باشگاه ورزشی باستانی (ملی)

منظر دل نیست جای صحبت اغیار

دیو چو بیرون رود فرشته درآید

روز جمعه گذشته در تقارن با میلاد مسعود مولای متقیان و سرور آزادگان علی علیه السلام و بنا بدعوت حسین شاه حسینی سرپرست سازمان ورزش کشور و ورزشگاه سابق شعبان بی مخ که بهمت آقای عبدالله کرمی نوری بازسازی شده است افتتاح گردید.

در این مراسم که باحضور آقای مهندس بازرگان نخست وزیر و تنی چند از وزراء و روحانیون انجام گردید پس از گزارش مسئولان امر و انجام ورزشهای باستانی آقای مهندس بازرگان بکوتاهی سخن گفت و توجه بامر ورزش باستانی را دلیلی بر رد مطالبی دانست که بعنوان چشم پوشی از افتخارات گذشته عنوان شده است بازرگان که چون همیشه با طرفت طبع سخن میگفت اظهار داشت از گذشتهها هر چه بد باشد بدور میاندازیم و هر چه چون ورزش باستانی نشانه ای از مردی و ایرانیست باشد گرامی میداریم آقای عبدالله کرمی ورزشکار جوانمرد ما که سالیان دراز با ملت زیسته و با همت والای خود این کنام مزدوران شاهنشاهی را به یک پایگاه ملی تبدیل کرده است در افتتاح این مرکز دریافت کننده تبریکها و شادمانیهای خالص رزمندگان ملی بود کرمی با بودجه شخصی خود ورزشگاه به آتش کشیده جعفری را نوسازی کرده است و انسان را لدی الورود بیاد شعر حافظ میانداخت که چگونه



دکتر غلامحسین صدیقی بجبهه ملی بازگشت

بالاخر پس از ماهها گفتگو و در دنباله نظرات و پیشنهادهای که در زمینه گسترش کمی و کیفی جبهه ملی در پرخاش خوانده بودید هفته گذشته پس از یک نشست که با حضور بسیاری از علاقمندان راه مصدق و با مشارکت آقایان دکتر سنجابی و اعضاء شورای مرکزی جبهه ملی در منزل استاد دکتر غلامحسین صدیقی تشکیل گردیده اعلام کردند که دکتر صدیقی در سمت عضو شورای مرکزی جبهه ملی کار سیاسی خود را در جهت تحقق اهداف مصدق بزرگ دنبال خواهد کرد. بقرار اطلاع پس از بحث و گفتگوهای فراوانی که از طرف علاقمندان با استقلال و سرپلندی ایران با شخصیتهای ممتاز ملی انجام گردیده بود آقای دکتر صدیقی دیدگاههای خود را در زمینه مسائل حاد مملکتی عنوان و از آن دفاع کرده است که تمامی این دیدگاهها مورد قبول شورای مرکزی و دکتر سنجابی قرار گرفته است در دنباله این همکاری جدید شب جمعه گذشته آقای دکتر صدیقی در جلسه شورای مرکزی جبهه شرکت کردند و تصمیم گرفته شد برای تکمیل اعضاء شورای مرکزی تا پنجاه نفر یک کمیته با مشارکت آقایان دکتر صدیقی و سنجابی و پنج نفر دیگر تشکیل و افراد مورد نظر را پیشنهاد کند.

خبرنگار پرخاش در تکمیل گزارش خود اضافه میکند همانقدر که نقش دکتر صدیقی در قبول مسئولیت جدید و مشارکت قابل تقدیر و تحسین است آقای دکتر سنجابی نیز شایسته همه گونه حقیقت شناسی است چه تاریخ معاصر کشور ما تصمیم گیریمای بموقع ایشان را هرگز از یاد نخواهد برد که اضافه بر عدم قبول نخست وزیری میتوان از محکوم ساختن رژیم شاه در پاریس و همگامی با آیت الله العظمی خمینی یاد کرد - ورود دکتر صدیقی بجبهه ملی طلایه موفقیتهای بیشتری است که آزادگان ایران زمین برای جبهه ملی آرزو دارند و انشاء الله با این اتحاد جبهه ملی در شان و سطحی شایسته نام مصدق کبیر راهگشای مشگلات کشور خواهد شد.

راه دکتر مصدق و داریوش فروهر

هفته گذشته در پرخاش خواندید که همگامی بسیاری از اعضاء فعال جبهه ملی با دولت بازرگان نه تنها نمیتواند دلیلی علیه سوابق مبارزاتی آنان باشد بلکه این خود برهانی بر اعتقاد این همکاران به تحقق خواسته های ملی ایرانیان است. در جریان برخوردیکه در باره سوابق دکتر مصدق پیش آمد کرده بود از نقش نفاق افکنانه بعضی از همکاران که بگذریم راه مصلحت آمیز اینست که از توسعه نفاق جلوگیری شود و انشاء الله خطاهای گذشته جبران گردد - خبرنگار پرخاش گزارش میدهد که در تعقیب سروصدهای هفته گذشته داریوش فروهر صریحاً بمقامات موثر اظهار داشته است که بگمان او هرگونه تردید در خدمات یا مبارزات دکتر محمد مصدق با واکنش شدید مردم روبرو خواهد شد که جبران آن امکان پذیر نیست.

مصلحت انقلاب و مملکت در این است که از دامن زدن باین اختلاف شدیداً خودداری شود و اگر بزرگان و رهبران انقلاب نیز نقش جهانی مبارزات دکتر مصدق را مورد تأکید قرار دهند عملاً بوجدت کلمه ای که بدان نیازمندیم کمک کرده اند و عملاً حمایت همه روشنفکران را نیز بسوی دولت خدمتگزار بازرگان متوجه ساخته اند.

حق انتخاب شدن ندارند ولی حق انتخاب کردن

در باره کسانیکه وکیل ادوار اخیر مجلسین شاهنشاهی بوده اند حکم شده است که حق انتخاب شدن ندارند ولی حق انتخاب کردن دارند و در راه همین حق است که بعضی از حضرات با استفاده از اموال تدارک شده ۱۶ ساله اخیر نشریات سنگینی هم بیرون میدهند و نماینده افکار عمومی شده اند و افکار عمومی هم میسازند که نمونه آن را میتوان در میان مدیران مجلات در حال انتشار که وکیل مجلس شورایی ملی بوده اند پیدا کرد توجه باین نکته هم اصلاح مصوبه مزبور را بشکل عادلانگتری ضروری میسازد.



به آنان اهدا شده بود.

برای اولین بار در ورزشگاه بهموطنان سنی دعا کردند

در مراسم گشایش ورزشگاه ملی که باحضور نخست وزیر انجام گردید هنگامیکه مرشد طبق رویه معموله بهمه شیعیان دعا کرد و حضار صلوات فرستادند مهندس بازرگان اعلام کرد که بهموطنان اهل تسنن نیز دعا شود و برایشان صلوات بفرستند حضار نیز اطاعت کردند و برای سلامتی هموطنان سنی صلوات فرستادند خبرنگار پرخاش اضافه میکند که حضور ذهن و توجه مخصوص مهندس بازرگان بمسائل ظریف سیاسی نامبرده را در ردیف سیاستمداران برجسته و تیزهوش ایران قرار داده است.

پایند دانست که در زورخانه های ایران که علی الرسم با تبعیت از شیوه مولا علی بنیان گذاری شده همه ورزشکاران خود را پیرو طریقت علی میدانند همیشه جنبه های تشیع حاکمیت داشته است تاکنون سابقه نداشته که جز بعلی و آل علی و پیروان خاندان علی در زورخانه های ایران دعا شده باشد باین ترتیب برای اولین بار بابتکار مهندس بازرگان در یک زورخانه ایرانی این انحصار شکسته شد و بهموطنان اهل تسنن در یک پایگاه اختصاصی شیعه دعا کردند.

امیدواریم همه همکاران آقای بازرگان در امور و کارهایشان از این درجه حساسیت و دقت برخوردار باشند.

هرجا دیو بیرون می رود فرشته درمی آید چه همه ما شاهد بوده ایم که چه نامردم انسان نماها جوانمردی و ورزشکاری که نماینده شایسته آن مردانی چون پوریای ولی بودند به دیروزگی قدرت و نامردی کشاندند و ورزش باستانی که مظهر اعلا شرافت و مردانگی بود را بروزی نشانند که در ردیف دیگر تماشاخانه ها و روسپی خانه های شاهنشاهی قرار گرفته بود. آغاز کار این ورزشگاه واقعی را بهمه جوانمردان واقعی شادباش میگوئیم.

گلریزان بی سابقه

در پایان مراسم گشایش ورزشگاه ملی طبق معمول زورخانه ها گلریزان شد و از سقف ورزشگاه برگهای گل از سقف فرو ریختند یکی از حضار که با کارهای این ورزشگاه سابقه بیشتری داشت اعلام کرد از تاریخ تاسیس این زورخانه تاکنون هر بار گلریزان شاهنشاهی شده اقل چند میلیون ریال برای انجام فعالیت های سالم بجیب شعبان خان و یارانش سرازیر میشد و این بار ورزشکاران از ترس این اتهام چنان محتاط شده بودند که حتی از پذیرفتن هدایای معنوی هم احتراز داشتند - بطوریکه دو هدیه ارزنده ای که از طرف نویسندگان پرخاش فرستاده شده بود بطور خصوصی دریافت شد این هدیه دو عکس متقوش بر فلز دکتر مصدق پیشوای زنجیر گسل مشرق زمین بود که پاسبان زحمات عبدالله کرمی و حسین شاه حسینی